



شناخت عراق

گزارش مختصری از اوضاع
فرهنگی، سیاسی، اجتماعی عراق

۷	یادداشت ناشر
۹	مقدمه: کلیاتی در مورد کشور عراق
۹	موقعیت ژئوپولیتیک
۱۲	عراق در گذر تاریخ
۱۴	عراق در دوران معاصر
۱۷	فصل اول: جریان شناسی مرجعیت و حوزه‌های علمیه عراق
۱۷	وضعیت فعلی نهاد مرجعیت در عراق
۱۸	آیت الله سیستانی
۱۹	جریان صدر
۲۱	جریان شیرازی
۲۴	مرجعیت و سیاست پس از صدام
۲۵	وضع شناسی حوزه علمیه و طلاب عراقی
۲۷	تعامل شیعه و سنی در عراق
۲۹	فصل دوم: مردم شناسی فرهنگی عراق
۲۹	آداب و رسوم و فرهنگ عمومی
۳۴	آداب و سنن اربعین
۳۶	مذهب و روابط دینی
۳۹	آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و فرهنگ نخبگان
۴۳	امام خمینی (ره) و ایران در نگاه مردم عراق
۴۸	جنگ ایران و عراق
۴۹	فصل سوم: وضع شناسی سیاسی، امنیتی، رسانه‌ای عراق
۴۹	نهادهای تأثیرگذار سیاسی
۴۹	۱- عشیره
۵۰	۲- مرجعیت
۵۱	۳- احزاب
۵۴	وضعیت امنیتی عراق
۵۶	الحشد الشعبی
۵۸	رسانه‌های عراقی

یادداشت ناشر

• یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که هر ساله در پهنه‌ای به گستره اعتقادات شیعی در بازه زمانی اول تا بیستم صفر رخ می‌دهد، پیاده روی میلیونی زائران و دلدادگان ابا عبدالله الحسین (ع) است که خود را با پای پیاده از نقاط مختلف جهان به شهرهای اطراف کربلا و از آنجا با پای پیاده به کعبه آمال یعنی کربلای معلی می‌رسانند. اوج این حرکت خودجوش مردمی را، که عنوان بزرگ‌ترین اجتماع مردمی در جهان را به خود اختصاص داده است، باید در روزهای قبل از اربعین و در مسیر نجف تا کربلا به نظاره نشست.

• عظمت این حرکت میلیونی عاشقان و دلباختگان امام خوبی‌ها حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) به حدی است که هر کسی لحظه‌ای خود را در اقیانوس بی‌کران احساس مردمی که با پای پیاده به سوی معشوق خود روان هستند، رها کند ناخودآگاه به عظمت این اتفاق اذعان کرده و به نشانه تواضع در برابر این همه عظمت و احساس پاک، قطرات اشکش را نثار پای زائران پیاده کوی دوست می‌کند و اینجاست که زیر لب زمزمه خواهد کرد که: «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه»

• این اتفاق عظیم حسینی بستری را برای هم‌گرایی هرچه بیشتر دنیای اسلام و به ویژه شیعیان فراهم آورده است. در این میان قطعاً ایجاد تعاملی سازنده بین زائران ایرانی و مردم عراق، می‌تواند نقش موثری در ایجاد فضایی مثبت و شکل‌گیری ارتباطی مؤثر جهت مقابله با جبهه

- ضد شیعی و حمایت و اقتدار بخشی به جبهه مقاومت ایفا کند. روشن است که این تعامل بدون شناخت اجمالی فرهنگ، تاریخ، آداب و سنن و وضعیت سیاسی عراق امروز امکان پذیر نیست.
- کتابی که هم اکنون با عنوان «شناخت عراق» در اختیار شما قرار گرفته است، حاصل تحقیق میدانی از اوضاع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و آداب و رسوم مردم عراق و همچنین مصاحبه با برخی از دانشمندان و دانشجویان عراقی است. تنظیم کنندگان این متن تلاش کرده‌اند که با جمع بندی دقیق این مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های تخصصی، چشم انداز نسبتاً جامعی از اوضاع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی عراق ارائه نمایند. البته همانند تمام مطالعات میدانی، ممکن است اطلاعات جمع‌آوری شده در این زمینه‌ها کافی نبوده و احیاناً در مواردی مغایرت‌هایی با واقع نیز داشته باشد.
 - روشن است که تذکرات شما بزرگواران و بیان نقایص این نوشته می‌تواند نقش به‌سزایی در اصلاح این نقایص و افزایش غنای این کتاب در ویرایش‌های بعدی داشته باشد. شما می‌توانید نظرات و موارد اصلاحی خود را به شماره ۰۹۱۰۰۵۵۲۱۲۰ پیامک نمائید.

کلیاتی در مورد کشور عراق

موقعیت ژئوپولیتیک



• عراق در منطقه جنوب غربی آسیا و در تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. کشورهای ایران در شرق، ترکیه در شمال، سوریه و اردن در غرب و عربستان سعودی و کویت در جنوب، همسایگان عراق هستند. طول کل مرزهای عراق ۳۶۵۰ کیلومتر است که مرز مشترک آن با ایران ۱۴۵۸ کیلومتر، با اردن ۱۸۱، با کویت ۲۴۰، با عربستان ۸۱۴، با سوریه ۶۰۵ و با ترکیه ۳۵۲ کیلومتر است. عراق مرز ساحلی کوچکی به طول ۵۸ کیلومتر با خلیج فارس دارد. این کشور با ۴۳۷,۰۷۲ کیلومتر مربع (تقریباً یک چهارم ایران) پنجاه و هشتمین کشور جهان از حیث بزرگی است.

- سرزمین عراق به لحاظ جغرافیایی، شامل سه منطقه است: ۱- استپ و بیابان (در جنوب و غرب) ۲- زمین های پست و دشت های دجله و فرات (دیار بکر و آزارات) ۳- ناحیه های کوهستانی (در شمال و شمال شرق)
- آب و هوای کشور (به جز شمال) عمدتاً صحرایی است با زمستان های خنک و بعضاً سرد و تابستان های خشک و گرم و آفتابی. مناطق کوهستانی شمال اغلب از زمستان های سرد با بارش برف و باران برخوردار است که گاهی موجب طغیان رودخانه ها می شود.
- بخش بزرگی از عراق، صحرا است اما مناطق ما بین دو رود دجله و فرات (که از ترکیه سرچشمه می گیرند، طولانی ترین رودهای عراق با ۱۸۵۱ و ۲۷۰۰ کیلومتر هستند و در شمال بصره به هم می پیوندند و پس از تشکیل شط العرب، که در ایران ارون رود نامیده می شود و طی ۱۹۰ کیلومتر به خلیج فارس می ریزد)، حاصلخیز است. قسمت های شمالی کشور عمدتاً کوهستانی است و بلندترین قله آن حاجی عمران (هم مرز با بلندی های پیرانشهر ایران) با ارتفاع ۳۶۱۱ متر است.
- عراق دارای هجده استان (به عربی: محافظه و به کردی: پاری زگا) می باشد. هر استان به چند شهرستان (به عربی: قضاء) تقسیم شده است. اسامی استان های عراق به این شرح است:

۱. بغداد	۲. صلاح الدین	۳. دیاله	۴. واسط	۵. میسان	۶. بصره
۷. ذی قار	۸. مثنی	۹. قادسیه	۱۰. بابل	۱۱. کربلا	۱۲. نجف
۱۳. انبار	۱۴. نینوا	۱۵. دهوک	۱۶. اربیل	۱۷. کرکوک	۱۸. سلیمانیه

• با استناد به خبرنامه جهان (The World Fact Book) عراق با ۳۲,۵۸۵,۶۹۲ نفر جمعیت (آمار ژوئیه ۲۰۱۴) چهارمین کشور پرجمعیت دنیا است. عرب‌ها ۷۵٪ - ۸۰٪ کردها ۱۵٪ - ۲۰٪ ترکمنان، آشوریان و غیره حدود ۵٪ از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. همچنین حدود ۶۰٪ - ۶۵٪ درصد مردم عراق شیعه، ۳۲٪ - ۳۷٪ درصد سنی و ۳ درصد مسیحی و پیروان سایر ادیان هستند.

عراق در گذر تاریخ

• عراق، تاریخ تمدنی چند هزار ساله دارد و به اعتقاد برخی از کارشناسان، اولین تمدن بشری در عراق شکل گرفته است. بر این اساس تاریخ این کشور دستخوش تحولات بسیاری بوده است که ما در این مجال، اشاره‌ای اجمالی به بخشی از تاریخ عراق بعد از اسلام، همچنین تحولات تاریخ معاصر عراق خواهیم داشت.

• در اوایل سده یکم هجری (میانه سده هفتم میلادی) در زمان خلیفه دوم، اعراب مسلمان حکومت ساسانی را از بین بردند و عراق جزئی از قلمرو اسلامی شد. بعد از فراگیر شدن اسلام در این ناحیه، با انتقال پایتخت قلمرو اسلام از مدینه به کوفه در زمان امیرالمؤمنین (ع)، این منطقه مرکز دنیای اسلام شد.

• از سال ۴۱ و بعد از صلح امام حسن مجتبی (ع) تا ۱۳۲ هجری خورشیدی عراق زیر سلطه حکومت امویان قرار گرفت. در سال ۱۳۲ هجری عباسیان جای حکومت بنی امیه را گرفتند. پس از سرنگونی امویان و ظهور عباسیان پایتخت خلافت اسلامی از شام به عراق (شهر بغداد) منتقل شد. ابوالعباس نخستین خلیفه عباسی بود که در سال ۱۳۲ در کوفه به خلافت نشست. منصور در سال ۱۴۵ پایتخت عباسی را به شهر نو بنیاد بغداد انتقال داد. بغداد روستایی در کنار رود دجله و در نزدیکی تیسفون (مداین) بود که به معنای داده بغ (خداداد) است. پس از آن بغداد مهم‌ترین شهر اسلامی و مرکز دانش و فرهنگ و علوم شد. اوج شکوفایی خلافت عباسی در عصر هارون الرشید (اواخر سده دوم هجری) بود.

• از آغاز خلافت عباسی تا اوایل سده سوم هجری قمری ایرانیان نفوذ زیادی در حکومت عباسی داشتند. خلافت معتصم سرآغاز دوره تسلط ترکان بر خلافت عباسی است. در دوران عباسی امامان شیعه به شدت زیر نظر

بودند و پس از مدتی به دست آنان به شهادت می‌رسیدند. لازم به ذکر است که از دوره عباسی تا پایان دوره قاجاریه به مناطق بزرگی از مرکز و غرب ایران امروزی (مانند اراک، اصفهان، ری، قم، لرستان و غیره) نیز واژه عراق اطلاق می‌شد و این نواحی از ایران را عراق عجم می‌گفتند و کشور عراق امروزی را عراق عرب می‌خواندند.

• در سال ۳۳۴ هجری قمری بود که با تصرف بغداد توسط آل بویه، بنی عباس بیشتر مالکیت خود را بر این منطقه از دست داد و بخش اعظم این منطقه بخشی از قلمرو آل بویه گشت و عضالدوله دیلمی خود را شاه میان رودان نامید. پس از پادشاهی آل بویه، این سرزمین از سال ۴۹۶ تا ۵۷۲ هجری شمسی به دست شاهان سلجوقی افتاد. و بعد از آن نوبت به خوارزمشاهیان رسید.

• با حمله مغول به خاورمیانه، بغداد نیز در سال ۶۵۶ هجری شمسی به تصرفات هلاکوخان پیوست. از این زمان تا ۷۳۶ هجری شمسی میان رودان قسمتی از قلمرو ایلخانان بود. بعد از مغول‌ها نوبت به حکمرانی آق قویونلوها رسید. پس از سقوط خاندان آق قویونلوها که به شکل دولت واسطه بین امپراطوری صفوی و امپراطوری عثمانی قرار گرفته بود، دو امپراطوری در برابر یکدیگر قرار گرفتند. به مدت ده‌ها سال این سرزمین محل نزاع و درگیری بین آن دو بود. شاه اسماعیل یکم صفوی عراق را مجدداً جزئی از ایران کرد. ولی در زمان شاه تهماسب یکم یعنی در سال ۱۰۴۹ هجری خورشیدی به طور قطع به دولت عثمانی واگذار شد و تا زمان جنگ جهانی اول بخشی از این امپراطوری محسوب می‌شد.

عراق در دوران معاصر

• پس از جنگ جهانی اول و شکست امپراطوری عثمانی، عراق نیز همچون سایر متصرفات متفقین در خاورمیانه، به قیمومیت آنها درآمد. طبق موافقت‌نامه سایکس-پیکوت (به انگلیسی: Sykes-Picot Agreement) که به طور محرمانه و در سال ۱۹۱۶ به امضا رسید، عراق جزئی از قلمرو اشغالی انگلیس قرار گرفت و تحت نظارت آن اداره می‌شد. به این ترتیب که در سال ۱۹۲۰ (۱۲۹۹ هجری) از به هم پیوستن سه ایالت منطقه میان رودان، یعنی ایالت‌های بصره، بغداد و موصل و با حمایت انگلیس و سایر متفقین کشور عراق تشکیل شد. یک سال بعد از تشکیل کشور عراق، «فیصل اول» با حمایت انگلیس و با رای‌گیری عمومی به پادشاهی عراق انتخاب شد.

• در دهه ۲۰ میلادی و بعد از ایجاد کشور عراق توسط انگلستان، شیعیان عراق تصمیم گرفتند علیه حکومت دست‌نشانده انگلستان قیام کنند تا بتوانند خود کشوری مستقل برپا نمایند که به علت همراهی نکردن قبایل سنی که غالباً مورد کمک انگلیس قرار داشتند، این قیام شکست خورد. از این پس بود که در فشار قرار دادن و فقر شیعیان عراق توسط حکومت آغاز شد. در سال ۱۹۳۲ قیمومیت انگلستان به پایان رسید و عراق رسماً به استقلال دست یافت. در همان سال عراق به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. پس از گذشت یک سال «غازی اول» فرزند فیصل به پادشاهی عراق رسید. بعد از مرگ غازی اول، پادشاهی به فرزندش «فیصل دوم» رسید و پادشاهی وی تا سال ۱۹۵۸ ادامه یافت.

• در دوران جنگ سرد عراق به یکی از متحدین نزدیک اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شده بود و شوروی از طریق این کشور نفوذ خود را در خاورمیانه فراهم می‌کرد. در این دوران، شوروی سعی می‌کرد از وحدت و یکپارچگی عراق حمایت کند تا بتواند با کمک یک حکومت قوی و با

قدرت، اهداف خود را عملی سازد. از این رو بود که حکومت‌های مرکزی عراق با پشتوانه شوروی، همه جنبش‌های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه را به شدت سرکوب می کردند.

• در سال ۱۹۵۷ شیعیان معترض عراقی توانستند پس از سال‌ها فعالیت سیاسی نظام‌مند، حزب «الدعوه» عراق را تشکیل دهند و اعلام موجودیت سیاسی نمایند. در این زمان بود که با کودتای ضدسلطنتی ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ توسط «عبدالکریم قاسم»، حکومت پادشاهی عراق به پایان رسید و حکومت جمهوری برقرار شد. بعد از اینکه «عبدالسلام عارف»، عبدالکریم قاسم را به قتل رساند، در سال ۱۹۶۳ به کمک حزب بعث عراق حکومت عراق را به دست گرفت. ولی بعد از مدتی خود به مخالفت با این حزب پرداخت.

• پس از مرگ عبدالسلام در سانحه سقوط هلیکوپتر، برادرش «عبدالرحمن عارف» زمام قدرت را در دست گرفت. سرانجام در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ هجری) حزب بعث در یک کودتای بدون خونریزی، دولت عارف را سرنگون کرد و «حسن البکر» با تشکیل شورای فرماندهی انقلاب، قدرت را به دست گرفت. وی نیز در سال ۱۹۷۹ در اثر فشار صدام حسین مجبور به استعفا شد و صدام رئیس جمهور عراق گردید.

• در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) جنگ ایران و عراق با حمله غافلگیرانه صدام به مرزهای ایران آغاز شد که تا سال ۱۹۸۸ ادامه یافت. در همان دهه عملیات «انفال» که در مناطق شمالی عراق به اجرا درمی آمد به قتل و کشتار بیش از ۱۸۲ هزار نفر از کردها منجر گردید و از جمله وقایع مرتبط با آن می توان به بمباران شیمیایی شهر حلبچه و قتل عام شیعیان توسط صدام در انتفاضه شعبانیه و کشتار صدها هزار شیعی عراقی و دفن در گورهای دسته جمعی اشاره کرد.

• به دنبال تهاجم ارتش عراق به کویت و جنگ خلیج فارس در سال

۱۳۶۹ شمسی (۱۹۹۱) کشور عراق با تحریم‌های اقتصادی روبرو شد و قسمت شمالی و جنوبی آن، منطقه پرواز ممنوع اعلام گردید. نهایتاً در پی تهاجم نظامی ایالات متحده آمریکا و همپیمانانش در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ میلادی)، حکومت صدام حسین سرنگون شد. البته غربی‌ها در این حمله حداقل یک میلیون مسلمان عراقی را با بمب‌های ده تنی و مشکوک به شیمیایی و اورانیوم ضعیف شده کشتند و تا کنون هم حاضر به اعتراف این قضیه نشده‌اند. هم اکنون دولت عراق که برآمده از آرای مردم عراق است، مسئولیت اداره امور عراق را برعهده دارد.

• نظام عراق جمهوری است، پس از براندازی حزب بعث عراق و صدام حسین توسط اشغالگران غربی، حکومتی از نوع دموکراسی توافقی تشکیل شد. بدین معنا که گرچه مردم از طریق انتخابات در سرنوشت خود دخالت می‌کنند اما پست‌های کلان کشور بین قومیت‌های عراقی تقسیم شده است. بدین ترتیب در حکومت کنونی عراق رئیس جمهور یک فرد از قوم کرد، نخست وزیر فردی شیعه و رئیس پارلمان یک عرب سنی است. اعضای کابینه نیز متشکل از این گروه‌ها هستند.

فصل اول: جریان‌شناسی مرجعیت و حوزه‌های علمیه عراق

وضعیت فعلی نهاد مرجعیت در عراق

- سلسله مرجعیت در عراق از زمان آیت الله خوئی تا امروز به این شکل بوده است: ابتدا آیت الله خوئی بودند، بعد از رحلت ایشان (۱۳۷۱)، آیت الله سبزواری مرجع عام شدند و بعد از چند ماه که ایشان رحلت کردند، آیت الله سیستانی به عنوان مرجع اعلی در عراق مطرح شدند.
- آیت الله خوئی به دلیل قدرت علمی بالایی که داشتند، به نوعی مجدد حوزه نجف شدند و شاگردان ایشان هنوز هم در حوزه‌های علمیه، به عنوان استوانه‌های فقه و اصول مطرح هستند. با این وجود ایشان در امور سیاسی دخالتی نداشتند، به ویژه در زمان جنگ ایران و عراق، هیچ موضع شفافی اتخاذ نکردند. این حرکت ایشان به دلیل حفظ اصل مرجعیت تشیع بود، چون با ورود ایشان به مسائل سیاسی، احتمال از بین رفتن کل کیان شیعه وجود داشت.

آیت الله سیستانی

- در زمان صدام آیت الله خوئی، مرجع اعلی بودند ولی در خصوص جنگ اظهار نظری نمی کردند و ساکت بودند. فقط در جواب استفتائی در خصوص نحوه نماز در جبهه‌های عراق فرموده بودند که باید نماز در جبهه‌ها کامل خوانده شود (کنایه از سفر معصیت بودن).
- آیت الله سیستانی در زمان صدام در اکثر قریب به اتفاق مسائل سکوت می کردند و موضع‌گیری‌های ایشان بعد از سقوط صدام شروع شد. ایشان در زمان جنگ ایران و عراق مشهور نبودند.
- بعد از نابودی صدام آیت الله سیستانی به میدان آمدند و حرکت سیاسی ایشان آغاز شد. ایشان پیام‌هایی در مورد قانون اساسی، انتخابات و سایر مسائل صادر کردند. البته ایشان به عنوان رهبری متصدی امور سیاسی نشدند، بلکه به عنوان شخصی که به مسائل سیاسی اشراف دارد، ورود کردند.
- هم اکنون رجوع مردم در عراق بیشتر به چهار مرجع است: آیت‌الله سیستانی حفظه‌الله، آیت‌الله سید سعید حکیم (که از خاندان شهید حکیم هستند) آیت‌الله اسحاق فیاض (که اهل افغانستان هستند). مرجع چهارم، شیخ بشیر نجفی است (که اهل پاکستان هستند) البته مراجع دیگری نیز در نجف حضور دارند ولی خیلی اقبال عمومی ندارند.
- اکثر مردم عراق مقلد آیت‌الله سیستانی حفظه‌الله هستند. البته جریان صدر هم طرفداران زیادی دارد ولی از یک مرجع واحد تقلید نمی کنند. بعد از شهادت آیت‌الله سید محمد صادق صدر برخی بر تقلید ایشان باقی ماندند، عده‌ای به سید کاظم حائری رجوع کردند، برخی به آقای یعقوبی، برخی به آیت الله شاهرودی، عده‌ای به شیخ اسحاق فیاض و برخی از صدری‌ها هم به آیت‌الله خامنه‌ای رجوع کردند.
- در حال حاضر سید حسن نصرالله در بین مردم عراق مخصوصاً جوان‌ها از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار هستند لذا اسم بردن از ایشان در بین مردم عراق حساسیتی ایجاد نمی کند.

جریان صدر

• مرجع شهید آیت الله سید محمدباقر صدر (صدر اول)، از نوابع حوزه‌ی نجف و از شاگردان آیت الله خوئی بودند که نقش عمده‌ای در رشد فکری و بیداری اسلامی مردم عراق و مبارزه با حکومت ظالم بعثی صدام حسین داشتند. ایشان در میان عراقی‌ها به عنوان رمز و نماد ایثار و جهاد عالمانه مطرح و مورد احترام تمامی مردم و احزاب شیعی و نیز بسیاری از دیگر گروه‌ها و قومیت‌های عراق می‌باشند. شهادت مظلومانه‌ی ایشان و خواهر مکرمه‌شان شهیده آمنه بنت‌الهدی صدر توسط صدام بر این محبوبیت افزود. ایشان شهید صدر اول خوانده می‌شود. حزب الدعوه اولین حزب سیاسی - شیعی، وامدار تلاش‌های فکری و اعتقادی ایشان می‌باشد. همچنان‌که شهید سید محمدصادق صدر با عنوان شهید صدر ثانی شاگرد وی و برآمده از حرکت انقلابی وی بوده است.

• در سال ۱۳۷۲، برای اولین بار آیت‌الله شهید سید محمد صادق صدر (صدر دوم) در نجف نماز جمعه برگزار کرد و رسماً اعلام مرجعیت نمود. حرکت آیت‌الله سید محمد صادق صدر در ابتدا با هماهنگی حکومت (صدام) بود، چون بدون هماهنگی با مسئولین حکومتی برگزاری نماز جمعه ممکن نبود. ولی بعدها موضع‌گیری ایشان در مقابل صدام آغاز شد و نهایتاً سال ۱۳۹۹ (۱۳۷۸ شمسی) ایشان به همراه دو فرزندش سید مؤمن و سید مصطفی توسط حکومت بعث عراق شهید شدند.

• برخی معتقدند علت همکاری نظام بعث با شهید صدر، مقابله با مرجعیت آیت الله سیستانی و نیز دخالت در اور حوزه و بدست گرفتن آن بوده است و همان زمان بود که مرجعیت عربی و مرجعیت عجمی در عراق مطرح شد. برخی نیز اهداف دیگری را مطرح می‌کنند ولی آنچه مشخص است این است که جریان صدر در ابتدا با حمایت نظام بعث آغاز شد ولی در ادامه،

به دلیل مواضع ضد حکومتی که توسط شهید صدر اتخاذ شد، حکومت در صدد مقابله با این جریان برآمد.

- بعد از شهادت شهید صدر، چند شاخه در جریان صدر ایجاد شد. یک شاخه که معروف‌تر هم هست، جریان سید مقتدی صدر است که از ابتدا داعیه‌دار مرجعیت نبوده است و بر مبنای بقاء بر میت استفتاءات پدرشان را بیان می‌کنند. شاخه دوم، جریان شیخ محمد یعقوبی است که هم اکنون در نجف اعلام مرجعیت کرده و مبلغانی نیز در میان طلاب عراقی دارد. شاخه سوم جریان «الصرخی» است که از شاگردان شهید صدر بود و ادعای مرجعیت کرد و اکنون مخفی است ولی در شهرهای مختلف عراق طرفدارانی دارد.
- صرخی در ابتدا شیخ بود، ولی بعدها ادعای سیادت کرد. صرخی کاملاً ضد ایران و مرجعیت ایرانی است. او معتقد است مرجع باید عراقی و عربی باشد. در هنگام معرفی خود هم می‌گوید: «المرجع العراقي العربي السید محمد الحسنی الصرخی» او در مقابل مرجعیت نجف ایستاد و همین امر سبب طرد او شد. الان هم محل اختفای او مشخص نیست و تنها بیانیه می‌دهد و شاگردان و طرفداران او در فضای مجازی و اینترنت فعال هستند.
- البته طرفداران صرخی در ایام اربعین فعال هستند و تلاش می‌کنند عقاید خود را ترویج کنند. صرخی در ابتدا خود را طرفدار امام زمان (عج) می‌نامید و در ادامه بعد از اینکه تعدادی به او گرویدند، ادعای ارتباط با حضرت و سپس نیابت از حضرت را مطرح کرد. طرفداران صرخی به این بهانه که دولت عراق مانع ظهور است، وارد جنگ مسلحانه با دولت شدند که دولت به سختی آنها را سرکوب کرد ولی موفق به دستگیری صرخی نشد.
- انشقاق دیگری هم در جریان صدر داریم و آن هم مربوط به «شیخ قیس خزعلی» است. ایشان در ابتدا سخنگوی جریان مقتدی صدر بود ولی بعدها از مقتدی جدا شد و هم اکنون نیز «عصائب اهل حق» گروه

- نظامی وابسته به او هستند که در حشد الشعبی هم جایگاه ویژه‌ای دارند. او معتقد است که وارث جریان صدر ناب است.
- موضع‌گیری جریان صدر نسبت به مقوله ولایت فقیه و حضرت آقا متفاوت است. مقتدی صدر و شیخ یعقوبی خیلی حرفی از ایران و آقا نمی‌زنند ولی در میان طرفدارانشان کسانی هستند که مخالفت خودشان را با ایران ابراز می‌کنند. اما شیخ قیس خزعلی خودش را مقلد آقا و مدافع ولایت فقیه می‌نامد.
 - گروه «لنجباء» هم یکی دیگر از انشقاقات جریان صدر است که از شیخ خزعلی جدا شدند. هم‌اکنون «شیخ اکرم کعبی» رئیس گروه «لنجباء» است. این گروه منادی ولایت فقیه هستند. و هم‌اکنون در حشد الشعبی هم حضور دارند.
- الآن وضعیت در جریان صدر به گونه‌ای است که هر کدام از این گروه‌ها، خود را وارث حقیقی جریان صدر می‌دانند. البته خود شهید صدر دوم گفته بود که بعد از من سید کاظم حائری اعلم است. چون سید کاظم حائری در آن زمان در ایران بود، نمی‌توانست در امور عراق دخالت کند، لذا شیخ اسحاق فیاض به عنوان مرجع اعلم بعدی اعلام شد. ولی خیلی رجوعی به ایشان نشد.

جریان شیرازی

- برخلاف تصور ایرانی‌ها، جریان شیرازی در عراق قوت چندانی ندارد؛ بالاخص در بحث تقلید از سید صادق شیرازی. برخی تصور می‌کنند که ایشان در کربلا مقلدین زیادی دارند و به همین دلیل جو کربلا کلاً موافق ایشان است، ولی این گونه نیست. در کربلا شیخ عبدالمهدی کربلایی و سید احمد صافی که مسؤولان حرم امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) هستند، قدرت اول کربلا هستند و طرفداران سید صادق

شیرازی در مقایسه با ایشان اصلاً به حساب نمی‌آیند.

- حتی در کربلا بعد از مسؤولان حرم، سید محمد تقی مدرسی قدرت بیشتری دارد که رابطه‌اش با ایران و آقا خوب است. به طور کلی جریان شیرازی در کل عراق طرفدار چندانی ندارد. شاهدش هم این است که این جریان چند بار در انتخابات شرکت کردند و در استان کربلا لیست دادند، ولی حتی یک نماینده هم از این طیف به پارلمان عراق و مجلس نواب راه نیافت. اگر این جریان بدنه اجتماعی داشت، قطعاً می‌توانست توفیقاتی در انتخابات داشته باشد.

- البته جریان شیرازی در کشورهای خلیج مقلدین و طرفدارانی دارد ولی در عراق در مجموع خیلی قابل اعتنا نیستند. تنها ویژگی این جریان قدرت رسانه‌ای آنهاست. جریان شیرازی بیش از بیست شبکه ماهواره‌ای دارد که تفکرات و خط مشی این جریان را تبلیغ می‌کنند. علت اینکه در جریان پیاده‌روی اربعین هم عکس ایشان زیاد دیده می‌شود، هزینه‌ای سرسام آوری است که این جریان در اربعین انجام می‌دهند. طبق شنیده‌ها جریان منتسب به ایشان به بسیاری از موبک‌ها کمک مالی قابل توجهی انجام می‌دهد به این شرط که عکس ایشان را در موبک نصب کنند.

- یکی دیگر از دلایلی که این جریان پررنگ به نظر می‌رسد، حمایت صریح از بحث قمه‌زنی است. قمه‌زنی در عراق طرفداران زیادی دارد و جریان شیرازی از قمه زنی حمایت می‌کند چنین تصور می‌شود که هر کسی که قمه می‌زند طرفدار این جریان است. چون اینها قدرت رسانه‌ای هم دارند، این القاء به صورت خیلی قوی ایجاد می‌شود.

- به همین دلیل است که اصلاً صلاح نیست در ایام اربعین وارد بحث قمه‌زنی بشویم، چون اکثر مردم به این قضیه اعتقاد دارند و بحث کردن با آنها هم هیچ ثمری جز ایجاد کدورت ندارد. البته می‌توان بعد از جلب اعتماد

و ایجاد الفت مطالبی را به صورت غیر مستقیم بیان کرد، ولی برخورد چکشی و قاطع با این قضیه نتیجه نخواهد داد.

• به نظر می‌رسد در مراسم اربعین اصلاً ضرورتی ندارد که ما وارد بحث جریان شیرازی شویم. زیرا ورود به بحث شیرازی‌ها به معنی پرتنگ کردن همان تشیع لندن است که آقا مطرح فرمودند، جریان شیرازی برخلاف جریاناتی که علیه مراجع مخصوصاً آیت‌الله سیستانی موضع می‌گیرند و به فحاشی می‌پردازند همیشه حرمت مراجع را حفظ می‌کند، به همین دلیل به نظر می‌رسد ورود مستقیم به بحث شیرازی‌ها بیشتر سبب بزرگ و مطرح شدن این جریان می‌شود و ثمره چندانی ندارد.

• روش درست بحث با کسانی که به مراجع مخالف قمه‌زنی توهین می‌کنند (به ویژه به دلیل اعلام حرمت قمه‌زنی) وسط کشیدن پای مرجعیت و اختلاف فتواست. بهتر است بگوییم شما از مرجعی تقلید می‌کنید که اجازه قمه‌زنی داده و ما از مرجعی تقلید می‌کنیم که این اجازه را نداده و مراجع در مسائل متعددی با هم اختلاف فتوا دارند ولی این دلیل نمی‌شود که هیچ کدام از ما، دیگری را لعن کنیم.

• در بحث لعن هم عموم عراقی‌ها هرچند به شدت محب اهل بیت (ع) هستند ولی اهل لعن نیستند. لذا اتفاقاتی که در سال‌های گذشته توسط برخی از ایرانی‌ها در حرم‌های شریف نجف و کربلا افتاد، مورد انتقاد شدید مردم و مسؤولین عراقی قرار گرفت. به خصوص در شرایط کنونی که بیش از پانصد هزار نفر از استان‌های موصل و دیاله که اکثراً سنی هم هستند، به عنوان پناهنده به استان‌های کربلا و نجف آمده‌اند، باید از لعن عمومی و مسائلی از این دست به شدت پرهیز شود. هر چند گویا این درک در میان طیف معروف به شیرازی‌ها وجود ندارد.

مرجعیت و سیاست پس از صدام

- وضعیت حوزه نجف بعد از صدام تغییراتی پیدا کرده است. قبل از سقوط صدام حوزه نجف خیلی سنتی بود. اما بعد از سقوط صدام، آیت الله سیستانی حوزه را یک گام جلو بردند، قبلاً دخالت مرجعیت عراق در حوزه مسائل سیاسی، خلاف روش اسلامی محسوب می‌شد!
- آیت الله سیستانی خیلی مایل نیستند که فقط یک حزب یا تشکل به ایشان نزدیک باشند. خودشان جمله معروفی دارند که: «مسافتی واحده مع الجميع؛ فاصله من با همه یکی است.» اینکه در هر زمان کسی به ایشان نزدیک می‌شود، مربوط به خود افراد یا جریان‌هاست و ایشان نظر خاصی نسبت به هیچ شخص یا حزبی ندارند. آنچه برای ایشان مهم است، مصلحت عراق و تشیع است.
- به حسب شرایط افراد و شرایط زمان، آیت الله سیستانی از افراد تمجید و تعریف می‌کنند. ایشان با همه گروه‌ها ارتباط دارند، اما دیگر آقایان مثل آیت الله حکیم یا شیخ بشیر نجفی این‌گونه نیستند. مثلاً شیخ بشیر نجفی در انتخابات اخیر به شدت علیه آقای نوری مالکی موضع گرفت و ایشان را با صدام مقایسه می‌کرد.
- حیدر العبادی زمانی به نخست‌وزیری عراق رسید که موصل توسط داعش تصرف شده بود. البته برخی معتقدند تصرف موصل نیز توطئه‌ای بوده تا به این بهانه مانع نخست‌وزیری مالکی شوند. به هر حال ایشان بلافاصله بعد از نخست‌وزیری توافق‌نامه امنیتی با آمریکا را امضا کرد و به همین دلیل اکنون نیروهای مقاومت دل خوشی از العبادی ندارند.
- در عراق فساد فراگیر مالی در دستگاه‌های دولتی وجود دارد یکی از دستورات آیت الله سیستانی به حیدر العبادی، مبارزه قاطعانه با فساد در این کشور بود که تحقق این دستور کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. چون فساد در لایه‌های مختلف جامعه و دولت ریشه دوانده و از بین بردن آن نوعی همدلی و وفاق نیاز دارد که فعلاً در عراق وجود ندارد. بلکه هر گروهی، دیگری را مسبب فساد می‌داند

وضع‌شناسی حوزه علمیه و طلاب عراقی

- طلاب عراقی تقیدات خاصی دارند؛ چه در نوع رفتارهای اجتماعی و چه در حوزه روابط فردی و خانوادگی، حتی در نوع پوشش و تعامل با دیگران. در عرف طلاب عراقی مشخص بودن موی طلبه از زیرعمامه کار پسندیده‌ای نیست. در میان طلاب عراقی، کسی بدون لباس طلبگی حتی برای کارهای کوچک در اجتماع ظاهر نمی‌شود. یا مثلاً در هنگام راه رفتن با خانواده باید همسر طلبه پشت سر او راه برود و...
- در ارتباط با مردم هم نوعی سنگینی در برخورد طلاب عراقی وجود دارد، و به نوعی شأن علمایی را در همه برخوردها حفظ می‌کنند. در عرف طلاب نجف، گرم گرفتن با جوانان نوعی خلاف مروت تلقی می‌شود. به همین دلیل طلاب عراقی معمولاً رابطه گرم و دوستانه با جوانان ندارند. همچنین برخی از طلاب احترام به طلبه را جزء شئون قطعی خود می‌دانند و معتقدند مردم باید هنگام ورود روحانی به مسجد تارسیدن به محراب او را با صلوات مشایعت کنند! البته برخی از این عرف‌ها در حال کمرنگ شدن است.
- نگاه و تحلیل طلاب نجف نسبت به مسائل سیاسی بسیار ضعیف است. تعداد زیادی از طلاب نجف نگاه خوبی به ایران و حضرت آقا ندارند. حتی بعضی از آنها صراحتاً ولایت فقیه را زیر سؤال می‌برند. در عراق عوام الناس خیلی راحت‌تر از طلاب ولایت فقیه را می‌پذیرند. به همین دلیل در مسیر پیاده روی اربعین، لزومی ندارد به اینگونه مباحث با طلاب عراقی بپردازیم.
- فارغ از بحث حساسیتی که حوزه نجف نسبت به حوزه قم دارد، هنوز در میان طلاب عراقی بحث ایرانی بودن و عراقی بودن خیلی پررنگ است. در کنار سرمایه‌گذاری زیاد اشغالگران روی ترویج قوم‌گرایی و نژاد

گرایی، برای مقابله با نفوذ روزافزون ایران، نوعی تعصب کور نسبت به عرب یا عجم بودن در میان مردم عراق و به ویژه طلاب این کشور وجود دارد. البته حوادث اخیر عراق و کمک‌های خوب ایران به مهار تروریسم در این کشور، کمی این فضا را تعدیل کرده است.

- این تعصب به حدی است که حتی بعضی از عراقی‌ها اربعین را کاملاً مختص خود می‌دانند و آن را مسأله‌ای صرفاً عراقی و عربی قلمداد می‌کنند. خوب است برای از بین بردن این تعصب به عراقی بودن، باید با مردم عراق بحث اعتقادی کنیم که اسلام مرز ندارد.

- حوزه علمیه نجف، به دلیل دور بودن از مسائل سیاسی، اهتمام چندانی به امور سایر مسلمانان حتی شیعیان ندارد. به همین دلیل مسأله فلسطین و سوریه، حتی شیعیان بحرین و یمن برای عراقی‌ها، آن گونه که برای دیگران مهم است، اهمیت ندارد. البته برای عراقی‌ها مسأله فلسطین نسبتاً مهم است، و اهتمام زیادی نسبت به سایر کشورهای اسلامی دیده نمی‌شود. و با توجه به اینکه برخی فلسطینیان در آموزش‌گیری‌های داعش نقش داشته‌اند موضع عموم مردم نسبت به فلسطین موضع منفی است.

تعامل شیعه و سنی در عراق

- بحث تعامل شیعی و سنی در عراق کمی پیچیده است. حکومت عراق قرن‌های متمادی دست اهل سنت بوده است. در زمان صدام هم که او خود را سنی معرفی می‌کرد و به شیعیان سخت می‌گرفت. بعد از صدام هم که حکومت دست شیعیان افتاد، اقلیت اهل سنت نسبت به گذشته که در قدرت بودند احساس انزوا کردند، حال آنکه وزرای سنی و ریاست پارلمان که سنی است دلیلی بر عدم صحت این ادعاست. همین عامل سبب شد که بعد از صدام، زمینه درگیری‌های بین شیعیان و اهل سنت عراق صورت بگیرد. و باقیمانده بعضی‌ها و گروه‌های تروریستی از همین مسأله سوءاستفاده کرده و اختلاف را تشدید کردند.
- بعد از انفجار حرمین عسکرین، این درگیری‌ها بیشتر هم شد و در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به اوج خود رسید به صورتی که شیعیان در مسیر کربلا به بغداد بعضاً مورد تعرض برخی از گروه‌های افراطی اهل سنت قرار می‌گرفتند و درگیری‌های ایجاد می‌شد که نتیجه آن کشته شدن تعداد زیادی از دو طرف بود. مسأله شیعه و سنی بعد از ورود داعش، اندکی تحت تأثیر قرار گرفت و بعضاً شیعیان در کنار اهل سنت و کردها بر علیه داعش جنگیدند ولی بعد از مدتی برخی از اهل سنت به دلیل دشمنی با شیعیان، حتی حاضر به همکاری با داعش شدند.
- الان در مناطق سنی نشین عراق، تبلیغات زیادی علیه شیعیان وجود دارد و به نوعی مانند آتش زیر خاکستر است. اکثر سیاسیون اهل سنت هم ابایی از ابراز دشمنی خود با ایران ندارند و به حشد الشعبی هم به دلیل ماهیت شیعی آن و ارتباطش با ایران هجمه می‌کنند.
- بهتر است در فضای کنونی عراق در بین شیعیان روی دو نکته عمده تمرکز شود: یک: وحدت بین گروه‌های شیعی حول محوریت مرجعیت آیت‌الله

سیستانی و تأکید بر رابطه قوی آیت الله سیستانی و حضرت آقا و دو: پر رنگ کردن جبهه مقاومت و اهمیت قدرت گرفتن آن در زمان حاضر. شیعیان عراق عمدتاً توجهی به اهمیت انسجام جبهه مقاومت ندارند. خیلی‌ها اصلاً توجه ندارند که امنیت عراق، سوریه، بحرین، لبنان، یمن و ایران به هم پیوند خورده است.

• متأسفانه برخی از شیعیان عراق هنوز به آمریکا اعتماد دارند و حتی برای از بین بردن مشکلات امنیتی و مبارزه با داعش تنها و تنها روی کمک و حمایت آمریکا و جبهه ائتلاف حساب می‌کنند. باید مردم عراق باور کنند که داعش دست پرورده آمریکاست و تنها کسانی که به فتوای آیت الله سیستانی عمل کردند، تشکیلات مقاومت بود و این جبهه مقاومت است که الان عراق را حفظ کرده است.

فصل دوم: مردم شناسی فرهنگی عراق

آداب و رسوم و فرهنگ عمومی

- عراق کشوری است با شهرها و روستاهای فراوان. مردم عراق با توجه به شرایط تاریخی و کنونی خود و مسایل قومی، مذهبی و... دارای آداب اجتماعی، رسوم، خلیقات و رفتارهای فرهنگی خاص خود هستند که تعامل با مردم این کشور، نیازمند شناسایی مسایل مذکور است.
- در عراق هنوز فرهنگ قبیله‌ای و عشیره‌ای به شدت حاکم است. حتی تعصب به عشیره و قبیله بیشتر از تعصب به اسلام است. در عراق در ظاهر دین‌داری مردم، بسیار قوی است، ولی ساختار عشیره‌ای هم قوی است. تا آنجا که فرهنگ عشیره‌ای در تقید مردم عراق به حجاب بی‌تأثیر نبوده است.
- عراقی‌ها در صورت نیکی دیدن از کسی در اولین فرصت آنرا به بهترین وجه جبران خواهند کرد. اما اگر هم نخواهند که با کسی رابطه خوبی داشته باشند، تمام سعی خود را می‌کنند که زیر دین طرف مقابل قرار نگیرند یعنی «نمک‌گیر او نشوند». بهترین راه برای نمک‌گیر کردن عراقیها این است که در برخورد اول با روی گشاده کاری برایشان انجام دهید. همین مسئله موجب خواهد شد که تا آخرین لحظه‌ای که با شماست، به شما خوبی کند. خوبی کردن به فرد عراقی می‌تواند شریک کردن وی در غذا باشد و یا صحبت کردن با او و از او حال و احوال پرسیدن، یا هدیه‌ای دادن و

- در همه نقشه‌های این کشور، «خلیج فارس» با عنوان «خلیج عربی» معرفی شده است. در تمام کتب درسی دانش‌آموزان نیز از اسم «خلیج عربی» استفاده می‌شود و حتی برخی تاکنون اسم خلیج فارس را هم نشنیده‌اند. البته برخی هم از حساسیت ایرانیان به این مسئله آگاه هستند.
- در زمان صدام استفاده از ماهواره و اینترنت در عراق ممنوع بود و مردم تنها می‌توانستند دو شبکه دولتی عراق را ببینند که در اختیار حزب بعث بود. بعد از سقوط صدام مردم به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای روی آوردند. هم اکنون صدها شبکه عربی زبان ماهواره‌ای در دسترس مردم عراق است که بسیاری از آنها مروج فرهنگ غرب، ابتذال و معارض با تعالیم اسلامی‌اند. در این بین تلاش شبکه‌های ماهواره‌ای برای ایجاد تقابل عربی - عجمی خصوصاً کشاندن این تقابل بین عراقی‌ها و ایرانی‌ها کاملاً مشهود بوده است. اگر مردم عراق به این تقابل تن دهند شاید اشکال زیادی به آنها وارد نباشد، بخاطر اینکه شبکه‌هایی که مردم عراق از آنها تغذیه می‌شوند به دنبال اختلاف افکنی هستند و متأسفانه برخی از ایرانی‌ها گاهی از اوقات ندانسته وارد این بازی دشمن می‌شوند. کما اینکه این تقابل در برخی از شبکه‌های اجتماعی هم دیده می‌شود. باید توجه داشت که نه تنها فریب این تقابل را نخوریم بلکه هر وقت چنین وضعیت اختلاف‌انگیزی مشاهده شد در صدد خاموش کردن آن باشیم.
- مردم عراق مردمی بسیار قانع و ساده زیست هستند، که در طی سالها جنگ و سختی کشیدن ساده‌زیستی در بین آنها تبدیل به یک فرهنگ شده است. البته این بی‌اعتنایی به امور دنیایی بی‌تأثیر از فرهنگی دینی آنها نیست. پس از سقوط صدام تهاجم فرهنگی بسیار خطرناکی از طریق رسانه‌ها و هجوم شبکه‌های ماهواره‌ای در جریان است که نشانه‌هایش در فرهنگ دینی، فرهنگ مصرف و علایق فرهنگی مردم دیده می‌شود. ترویج مصرف‌گرایی پیامد شوم این شبکه‌هاست.
- یکی دیگر از دلایل رشد مصرف‌گرایی در عراق این است که، بر اثر جنگ‌ها

و تحریم‌های بین‌المللی در دوران صدام، درآمد اقشار مختلف مردم بسیار پایین بود به طوری که مردم فقط در حال گذران زندگی بودند و از آن مهم‌ترین که صدام با انحصارطلبی حزب بعث، اعمال تبعیض‌های قومی، دینی، حزبی و ... چنان عرصه فکری و روانی را بر مردم تنگ کرده بود که دو نسل کنونی عراق هیچ آرمان و آرزویی را در سر نمی‌پروراندند، جز رهایی از دست صدام. بعد از ورود اشغالگران و سقوط صدام، مردم عراق گمان می‌کردند به تمام آرزوهای خود خواهند رسید ولی این‌طور نشد. چرا که ساختن عراق به فکر و اندیشه و آرمان‌هایی بزرگ نیاز داشته و دارد و اینها چیزهایی بودند که مردم عراق از آنها دور نگه داشته شده بودند. متأسفانه در شرایط کنونی عراق نیز، شرایط طوری نیست که مردم به مسائلی بیش از حوزه خود (غذا، مسکن، پوشاک و ...) فکر کنند. زیرا بر اثر مسایلی همچون نبودن امنیت، عدم وجود آینده‌ای روشن برای عراق و فقدان رهبری الهی و مقتدر، گرایش نخبگان به قدرت‌طلبی و فاصله گرفتن از عامه مردم و ... جوانان عراقی سردرگم به دنبال نیازهای غریزی خود می‌روند و کسی در صدد هدایت آنها به مسیرهای سازنده نیست.

- یکی از مواردی که می‌توان آن را از موجبات عدم پیشرفت عراق و هر چه بیشتر غرب‌زده شده آن دانست، عدم وجود خودباوری در عراقی‌ها خصوصاً در نسل جوان آن است. شیعیان عراقی تا قبل از دولت شیعی جدید، باور نمی‌کردند که شیعه بتواند در عراق حاکم باشد.
- کشیدن سیگار بین مردان، خصوصاً جوانان، بسیار رایج است. در حدی که بسیاری از آنها با خاموش کردن یک سیگار، سیگار دیگری روشن می‌کنند. البته عده‌ای نیز سیگار استعمال نمی‌کنند ولی به هر حال در جامعه عراق سیگار چیزی منفی و مضر به حساب نمی‌آید. با این وجود تعداد زیادی از عراقی‌ها اصلاً با مواد مخدر (خصوصاً مواد جدید)

- آشنایی ندارند چه رسد به استعمال آن. اعتیاد به تریاک و سایر مواد مخدر (به جز سیگار) نیز در نظرشان بسیار منفور است.
- یکی از مراکز تفریحی جوانان شهری، مراکز بلیارد هست. یکی از مراکز بلیارد شهر کربلا در نزدیکی نهر علقمه قرار دارد که افراد زیادی از جوانان در آن حضور دارند.
 - همانطور که در بخش اول آمد، عراق مهد تمدن‌های باستانی بوده است. این مسئله به عنوان یک سرمایه معنوی غنی مایه افتخار و مباهات در بین عراقی‌ها مطرح می‌شود. شهر تاریخی بابل (در نزدیکی شهر حله امروزی) یکی از مراکز تاریخی-فرهنگی عراق می‌باشد که یادآور پادشاهانی چون حمورابی و بخت النصر است.
 - جایگاه زنان در عراق در طی سال‌های گذشته دست‌خوش تغییرات اساسی شده است، در گذشته در برخورد با زنان نوعی نگاه تفریطی حاکم بود و زنان مانند برخی از کشورهای منطقه مثل عربستان سعودی، حق مشارکت در هیچ فعالیت اجتماعی را نداشتند. پس از سقوط صدام متأسفانه جامعه در یک حالت انفعالی قرار گرفت و به بهانه پیشرفته بودن به شکل افراطی به حضور زن در اجتماع پرداخته می‌شود. در دولت جدید، زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی وارد شده‌اند. تعدادی از کرسی‌های پارلمان و مجلس استان‌ها به زنان تعلق دارد. ولی این بدان معنی نیست که مردم و خصوصاً مردان عراقی این مسئله را پذیرفته باشند بلکه طبق قانون مجبورند در هر سه رأی به یک زن رأی دهند.
 - آداب سلام و احوال‌پرسی عراقیان نیز از قرار زیر است: با افرادی که بعد از مدت‌ها می‌بینند یا تازه آشنا می‌شوند ۳ بار و در سلام علیک روزانه یک بار روبوسی می‌کنند. اصطلاحاتی را که در حال و احوال‌پرسی استفاده می‌کنند: «الله یساعداک (یساعداکم)؛ خدا یاریت (یاریتان) کند»؛ برای تشکر و خسته نباشید گفته می‌شود. «رحم الله والدیک؛ خدا پدر و مادر

را بیمارزد»؛ برای تشکر و ابراز محبت گفته می‌شود. «تشرفنا»؛ برای خوش آمد گویی و تعارف به معنای «به ما افتخار دادید» به کار می‌رود. در خداحافظی نیز از اصطلاحاتی نظیر «الله محمد علی معک»، «الی اللقاء»، «مع السلامه» استفاده می‌کنند. البته این جملات فقط تعدادی از اصطلاحاتی است که عرب‌ها به کار می‌برند.

- زبان عمومی مردم عراق، زبان محلی است. بیشتر مردم عراق، سخن گفتن و نوشتن به زبان فصیح عربی را بلد نیستند. بسیاری از مردم عراق قرآن را به صورت کامل متوجه نمی‌شوند. بعضاً دیده می‌شود حتی دانشجویان و افراد تحصیل کرده هم زبان فصیح را متوجه نمی‌شوند. استفاده از زبان فصیح در محاورات روزمره اصلاً مرسوم نیست و خوب است که ما هم برای ارتباط گیری بهتر با عزیزان عراقی در کنار زبان فصیح، برخی لغات و اصطلاحات محلی را نیز فرا بگیریم.
- قیمت مواد غذایی در برخی از موارد مثل ایران است و در برخی موارد هم از ایران گرانتر است. ولی همانند بسیاری از شهرهای زیارتی، اگر دقیق نباشید، عربی خوب ندانید و قیمت‌ها را از محل‌های مختلف نپرسید بسیار گرانتر از حد معمول، جنس مورد نظر خود را خرید خواهید کرد. متأسفانه این اتفاق در برخی از شهرهای زیارتی ایران هم متقابلاً از طرف شهروندان ایرانی اتفاق می‌افتد که جای تأمل دارد.

آداب و سنن اربعین

- آداب و سنت‌هایی که در اربعین وجود دارد، از آداب و سنت‌های کهن مردم عراق است که ریشه در روایات متعدد دارد و سیره علماء سلف مؤید آن می‌باشد. در این بین شیعیان جنوب عراق در حفظ و نگه داشتن این سنت تلاش فراوانی کرده‌اند. آنچه در بحث اربعین خیلی پر رنگ است، میهمان‌نوازی عشایری است. این عشایر حتی در غیر اربعین هم اهمیت فوق‌العاده‌ای برای پذیرایی از میهمان قائل هستند.
- یکی از افتخارات عرب، میهمان‌نوازی آنهاست، خصوصاً اگر میهمان عزیز باشد. در اربعین هم اینها معتقدند که زائرین، میهمان آقا ابا عبدالله الحسین (ع) هستند. لذا طرف ممکن است بضاعت مالی چندانی نداشته باشد، ولی به هر وسیله‌ای که می‌تواند، خود را وقف خدمت زائرین ابا عبدالله الحسین (ع) می‌کند.
- یکی از سنت‌های عراقی در پذیرایی از میهمان این است که صاحبخانه و فرزندان سر سفره می‌ایستند و چیزی نمی‌خورند و تلاش می‌کنند همه خواسته‌های میهمانان را برآورده کنند. آنها معمولاً اگر کسی سر سفره‌شان بیاید و چیزی نخورد، ناراحت می‌شوند. چیزی هم که در ایران ما به عنوان اسراف قلمداد می‌کنیم، آنها جزء شعائر میهمان‌نوازی می‌دانند! لذا اصلاً اشکالی نمی‌بینند که برای دو میهمان به اندازه شش نفر غذا درست کنند.
- یکی از افتخارات عشیره‌ای در میان شیعیان همین خدمت‌گزاری در ایام اربعین است. معمولاً بزرگ‌قبیله و فرزندان با افتخار به این کار مبادرت می‌ورزند. در این پذیرایی، شأن و جایگاه هم مطرح نیست. ممکن است کسی استاد دانشگاه در خارج از عراق باشد ولی در ایام اربعین خود را به موکب قبیله خود می‌رساند و مشغول خدمت به زائرین می‌شود.
- نکته مهمی که نباید از آن غافل شویم این است که فضای اربعین یک

فضای عراقی است، ما نباید آداب و سنن و رسوم خود را به این فضا تحمیل کنیم. سال گذشته چون تعداد ایرانی‌ها زیاد شد، در مسیر پیاپی، کمی جو ایرانی حاکم شد. بعضاً برخی ایرانی‌ها هم اصرار داشتند که برخی سنت‌های آنها در موبی رعایت شود که این خیلی مناسب نیست. بالاخره عراقی‌ها میزبان هستند و باید اداره اربعین را به آنها بسپاریم و ما تنها به عنوان میهمان در این ضیافت میلیونی شرکت کنیم.

• این یک واقعیت است که مردم عراق در فضای اربعین، تغییر محسوسی پیدا می‌کنند. عراقی‌ها همانطور که نسبت به زائرین اباعبدالله بسیار با محبت و مهربان هستند در برخوردهای اجتماعی سریع واکنش نشان می‌دهند. مثل اینکه ما ممکن است برخی از خصوصیات را داشته باشیم، ولی در حرم امام رضا(ع) خیلی از رفتارها را کنار می‌گذاریم.

مذهب و روابط دینی

- ظاهر فرهنگ عمومی عراق، مذهبی و دینی است. این مسئله در حال حاضر که تهاجم فرهنگی بسیار قوی به فرهنگ مذهبی مردم صورت گرفته بسیار خطرناک است. چراکه این فرهنگ از درون در حال تخریب شدن می‌باشد، اما ظاهر شعائر دینی پابرجاست. لذا در این جامعه حجاب زنان مؤلفه خوبی برای سنجش دین‌داری نیست، چرا که بسیاری از امور مناسکی و امور مربوط به شعائر دین از عادات و سنت‌های فرهنگی یک عراقی است.
- عراقی‌ها به شمایل ائمه بسیار اعتقاد دارند و از آنها در منزل، مغازه و حرم و مسجد و ... استفاده می‌کنند. تصاویری که استفاده می‌کنند عموماً از شمائل امام حسین(ع)، حضرت امیر(ع)، حضرت عباس(ع)، علی اکبر(ع) و علی اصغر(ع) خارج نیست. و مطمئناً در قدم‌های ابتدایی ارتباط ما نمی‌خواهیم که آنها را از این عقیده‌شان (که به نظر ما اشتباه است) منصرف نمائیم. حتی اگر فرد عراقی سر صحبت را باز کرد ما باید موضوع را تغییر دهیم تا از برخوردهای احتمالی بکاهیم.
- مردم عراق در عین تقید به اسلام و محبت و ارادت به ساحت اهل بیت علیهم السلام پایبند تعصبات عشیره‌ای و قبیله‌ای خود نیز هستند تا آنجا که برخی از رفتارهای آنها هم ریشه دینی و هم ریشه عشیره‌ای دارد (مانند حجاب).
- در عراق فرهنگ مردم، بیشتر ناشی از فرهنگ خطباست نه فرهنگ علماء. در بین علمای عراق، کسی که خوب درس خوانده و عالم است، منبر نمی‌رود. اصولاً منبر کاری ساده و به دور از شأن علماء تلقی می‌شود. به همین دلیل خطباء، معمولاً بهره علمی بالایی ندارند، همین امر سبب شده که فرهنگ دینی مردم عراق رشد چندانی نداشته باشد. البته دکتر «احمد الوائلی» که مانند آیت الله فلسفی در ایران بودند که تأثیر خوب

- و مثبتی روی مردم عراق داشتند و هنوز هم مردم از ایشان به نیکی یاد می‌کنند و توصیه‌ها و نصیحت‌های ایشان بر زبان‌ها جاری است.
- در عزاداری عراقی‌ها بیشتر به ظواهر توجه می‌شود تا باطن عزاداری. لذا در عزاداری‌ها معمولاً حزن و بکاء کمتر است، در عوض سینه‌زنی و قمه‌زنی که بیشتر جنبه ظاهری دارد، خیلی پر رنگ است. حتی هیأت‌ها خیلی به بحث پذیرایی اهمیت می‌دهند.
 - در عراق بحث اعتقادات، به معنای مصطلح خیلی مطرح نیست. البته به دلیل هم‌جواری تاریخی شیعیان عراق با اهل سنت و حضور تاریخی ائمه چهارگانه اهل سنت در عراق، عموم شیعیان به مسائل مطرح بین شیعه و سنی واقف هستند و برای بسیاری از شبهات اهل سنت جواب دارند. و حتی اگر جواب هم نداشته باشند، به دلیل تعصبی که وجود دارد، تقریباً شبهاتی از این دست اصلاً روی آنها تأثیری نمی‌گذارد.
 - در عراق بستر شیوع شبهات بسیار مهیا است، چون از یک سو فقر فرهنگی و اعتقادی شدیدی وجود دارد و از سوی دیگر مرکز مشخصی برای پاسخگویی به شبهات وجود ندارد. مثلاً در ایران اشخاص و مؤسساتی در حوزه علمیه به صورت مشخص وظیفه پاسخگویی به شبهات را دارند ولی در عراق این‌گونه نیست. لذا شبهات به سرعت و در حجم بسیار گسترده در میان مردم پخش می‌شود. مثلاً شبهات مربوط به وجود خدا، عدالت خدا و ... به وفور وجود دارد و هیچ کس هم به آنها جواب نمی‌دهد.
 - در فضایی که به جای تأکید بر اعتقادات، روی شعائر تأکید شود، به صورت طبیعی زمینه برای رواج خرافات فراهم می‌شود. به همین دلیل مردم عراق آمادگی زیادی برای پذیرش خرافات به ویژه در خصوص حضرت حجت ارواحنا له الفداء را دارند. در همین سال‌های اخیر چندین نفر با عنوان نیابت از امام زمان (عج) یا به نوعی ارتباط با ایشان ادعاهایی را مطرح می‌کنند و در میان مردم هم طرفدارانی پیدا کردند. مثل

صرخی، که مدعی است امام زمان (عج) با خواهر او ازدواج کرده است. یا «قاضی السماء» که می‌گفت من پسر امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س) هستم و یک گروه شبه نظامی از جوانان عراقی تشکیل داده بود و قصد کشتن مراجع را داشت. یا «احمد بن حسن بن یمانی» که حتی برخی از طلاب هم با او بیعت کردند!

• عده قابل توجهی از مردم عراق، تعبد چندانی به احکام شرعی ندارند. بعنوان مثال اهتمام به نماز خصوصاً نماز جماعت در حرکت اربعین کمتر به چشم می‌خورد. نزاع و درگیری هم به نوعی در عراق فراگیر است. مردم عراق عموماً اخلاق تندی دارند و زود پرخاش می‌کنند.

• در بین شیعیان عراق، مداحان بسیار مهم و محبوب‌اند. معروف‌ترین مداحان عرب که CD و DVDهای مراسمشان در کلوب‌ها و فروشگاه‌های محصولات فرهنگی، فراوان است عبارتند از: نزار القطری و باسم کربلایی (که ایرانیان نیز این دو فرد را می‌شناسند یا حداقل به مداحی‌ها و صدایشان علاقه دارند)، حیدرالمولی (طلبه)، جلیل الکربلایی، حسین الاکرف، سید جاسم. در مراسم اربعین بطور فراوان نوارهای مداحی با صداهای بسیار بلند و ریتم تند که بعضاً به آهنگ‌ها شبیه است پخش می‌شود و طرفداران زیادی هم دارد.

• مهدویت یکی از مسایل مهم در عراق است و در طبقات مختلف جامعه، از دانشجو تا افراد روستایی و بی‌سواد و ... بحث مهدویت وجود دارد. مدعیان دروغین، فرقه‌های ضاله و مسائلی از این دست احساسات دینی یک عده افراد پاک طینت اما ساده و بی‌اطلاع را به بازی می‌گیرند.

آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و فرهنگ نخبگان

• سیستم نظام آموزش و پرورش در عراق مانند سیستم قبلی ایران است؛ یعنی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان. البته وزارت آموزش و پرورش دست اهل سنت است. یعنی طبق توافقی که صورت گرفته باید وزیر آموزش و پرورش از اهل سنت باشد. به همین دلیل سیستم آموزش و پرورش آنها نقائص زیادی دارد.

• تا همین اواخر کتاب‌های درسی مدارس، همان کتاب‌های زمان صدام بود. الان هم که کمی اصلاح شده، باز هم در کشوری که بیش از ۶۰٪ مردم آن شیعه هستند، در کتاب‌های دینی می‌خوانیم که خلیفه اول ابوبکر، خلیفه دوم عمر و ... یعنی این کتاب‌ها بر اساس عقاید اهل سنت تالیف شده است.

• در زمان آقای نوری مالکی تلاش‌هایی صورت گرفت که سیستم آموزش و پرورش به صورت استانی شود. یعنی هر استان متناسب با فضای مذهبی و فرهنگی خود، سیستم مربوط به خود را داشته باشد ولی به دلیل مخالفت‌هایی که با این طرح شد، این طرح به تصویب نرسید. تعداد دانشگاه‌های عراق بسیار زیاد است. هر استان معمولاً یک دانشگاه دولتی و تعدادی دانشگاه غیر دولتی دارد. برای مثال شهر کربلا یک دانشگاه دولتی و دو دانشگاه غیردولتی دارد. همچنین در نجف نیز چندین دانشگاه دایر است که به غیر از دانشگاه دولتی شهر کوفه می‌توان به دانشگاه‌های آزاد زیر اشاره کرد: جامعه اسلامی، جامعه صدر و دانشگاهی دیگر که آقای قبانچی، امام جمعه نجف، مؤسس آن است.

• همچنین دانشگاه‌های آزاد کربلا عبارتند از: جامعه اهل بیت که آقای سید محسن قزوینی، نماینده پارلمان عراق و راه یافته از طریق حزب الدعوة، مؤسس آن است، و نیز جامعه الحسین. آقایان قزوینی و قبانچی سال‌ها

در ایران بوده‌اند و از الگوی دانشگاه امام صادق (ع) در تاسیس دانشگاه در عراق الهام گرفته‌اند.

• وضعیت مذهبی دانشگاه‌های عراق تعریف چندانی ندارد. یکی از دلایل اصلی آن هم اقداماتی است که در زمان صدام صورت گرفت. صدام چون می‌خواست فضای فکری جامعه همیشه در اختیار خودش باشد، لذا وزارتخانه‌هایی نظیر آموزش عالی، فرهنگ و رسانه و آموزش و پرورش را به کلی از نیروهای حزب اللهی و شیعه تصفیه کرد. متأسفانه همین ساختار تا کنون نیز کم و بیش حفظ شده است. هرچند بعد از سقوط صدام و در جریان پاکسازی بعضی‌ها از دانشگاه‌ها، تعداد زیادی از نیروهای ضد شیعه از دانشگاه‌ها اخراج شدند، ولی هنوز وضعیت مذهبی دانشگاه‌ها مانند فضای مذهبی خود جامعه عراق نیست.

• در میان دانشجویان عراقی، نقل و انتقال بین استانی دانشجویان خیلی وجود ندارد، تنها عده کمی از دانشجویان برای تحصیل از استان‌های دیگر به بغداد می‌روند. ولی در بقیه استان‌ها این انتقال وجود ندارد. مثل اینکه کسی از استان بابل به استان کربلا بیاید یا برعکس. همین امر سبب شده که فضای عمومی دانشگاه‌ها متأثر از فضای عمومی همان استان باشد. به همین دلیل فضای عمومی دانشگاه‌های استان نجف و کربلا، جو مذهبی تری نسبت به دانشگاه‌های سایر استان‌ها دارند.

• دانشجویان و دانشگاهیان در عراق از چندان جایگاه اجتماعی بهره‌مند نیستند که بتوانند در مسایل سیاسی و فرهنگی کشور، از جایگاه دانشجو یا استاد دانشگاه، ابراز عقیده کنند. و مهم‌تر اینکه دانشجویان عراقی اصلاً نمی‌دانند که جنبش‌های دانشجویی چه ظرفیت و پتانسیل و قابلیت تاثیر گذاری در سطوح مختلف کشور را دارند.

- دلیل این امر این است که دانشگاه‌ها در زمان حکومت بعثی‌ها کاملاً کنترل می‌شد و بعد از آن دانشجوی عراقی بدون هیچ آمادگی و آگاهی در جامعه‌ای باز قرار می‌گرفت. از سوی دیگر با توجه مطالب آورده شده در باب خودباوری، آرمان‌گرایی و وضعیت فکری جامعه در دوران بعث، نبود امنیت در وضعیت کنونی و نبودن رهبر در جامعه فعلی عراق، می‌توان گفت که بعد از سقوط صدام نیز کاری در این عرصه صورت نپذیرفته در نتیجه دانشجویان نیز همچون سایر مردم و جوانان به مسائل روزمره زندگی سرگرم شده‌اند.
- ظاهراً برخی از احزاب اخیراً به توانایی بالقوه دانشجویان پی برده‌اند و در صدد جذب برخی از دانشجویان در نهادهای سیاسی خود هستند تا از طریق آنان به اهداف سیاسی خود در طبقه جوان نایل بیایند.
- با سقوط صدام و افزایش پول در دست مردم، بسیاری از جوانانی که معدل حضور در دانشگاه‌های دولتی را ندارند به دانشگاه‌های آزاد یا غیردولتی می‌روند. به طور کلی می‌توان فضای دانشگاه‌های عراق از لحاظ فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانشجویان را در حد دبیرستان‌های بزرگ ایران دانست. یعنی فعالیت‌هایی وابسته به مسولین دانشگاه. به طوری که رؤسای تشکل‌های رسمی دانشجویی در دانشگاه توسط مسولین دانشگاه تعیین می‌گردند.
- بسیاری از دانشجویان هیچ برنامه‌ای برای بعد از فارغ التحصیلی ندارند زیرا مشاغلی به اندازه تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه‌های عراق وجود ندارد تا دانشجویان در آنها مشغول به کار شوند.
- حجاب در دانشگاه‌ها در مقایسه با سطح جامعه بسیار متفاوت است؛ اکثر دختران دانشجو بدون چادر در دانشگاه حاضر می‌شوند. لباس‌هایشان تمام بدن به غیر از صورت و کفین را پوشش می‌دهد اما از لحاظ رنگ و طرح چندان مناسب نیستند. به طوری که دانشگاه برای لباس دختران

ضوابطی تعیین کرده و در آن رنگ لباس را به سفید و مشکی محدود ساخته است. با این همه تعدادی از دانشجویان با لباس‌های زننده، تنگ و نامناسب حاضر می‌شوند.

• با ورود ماهواره به جامعه عراق، شبکه‌های ماهواره‌ای عربی به منابع اصلی خبری و فرهنگی جوانان و نیز دانشجویان عراقی تبدیل شده است. بسیاری از این شبکه‌ها نیز توسط سعودی‌ها حمایت می‌شوند. تعداد زیادی از شبکه‌های ماهواره‌ای شبکه عربی به طور غیرمستقیم از سوی وهابی‌های عربستان حمایت می‌شوند. سهم شبکه‌های رسمی کشور عربستان نیز در بین کانال‌های عربی زیاد است. همچنین بسیاری از شبکه‌های عربی که به کشورهای دیگر عربی یا غربی وابسته‌اند سیاست‌های خصمانه‌ای را علیه جمهوری اسلامی دنبال می‌کنند. به طوری که می‌توان بعد از آمریکا، اسرائیل و انگلیس، مجموعه کشورهای عربی (به غیر از سوریه، فلسطین، لبنان و عراق) را از مهم‌ترین مخالفین جمهوری اسلامی دانست.

• به طور عمده دانشجویان عراقی از شبکه‌های عربی (که اکثر آنها ضد جمهوری اسلامی هستند) تأثیر می‌پذیرند و حتی اطلاعات خام خود را از این شبکه‌ها می‌گیرند و به تحلیل می‌پردازند چه رسد به تأثیر گرفتن از تحلیل‌های ضد ایرانی آن کانال‌ها. پس نباید از آنها انتظار زیادی داشت.

امام خمینی(ره) و ایران در نگاه مردم عراق

- با اینکه مردم عراق عموماً به علما و مراجع علاقه دارند و عکس‌های آنها را در قالب‌های مختلف استفاده می‌کنند، ولی در عراق، به ندرت عکسی از امام خمینی(ره) دیده می‌شود. عموم مردم هم شناختی از امام و منش او ندارند. البته در این میان باید معدودی از نخبگان را استثناء کرد.
- به دلیل تبلیغات منفی صدام علیه امام خمینی(ره)، ذهنیت درستی از ایشان در بین مردم عراق وجود ندارد و حتی ممکن است از وی چهره‌های خشن و دیکتاتور جلوه داده باشند. حتی برخی از علمای نجف و عراق نیز امام را به گونه‌ای منفی جلوه داده‌اند. در کتاب "شیعه و حکومت در عراق" آمده است: «بعضی از مخالفین ولایت فقیه به این نکته اشاره دارند که برپایی حکومت فقیه ممکن است باعث سلب آزادی مردم و تشکیل حکومت استبدادی شود.» (العلوی، ۱۳۷۶، ص ۳۱).
- پس باید توجه داشت که یک عده از این مخالفان که لازمه حکومت ولایت فقیه را دیکتاتوری می‌دانند در عراق بوده و هستند. همچنین دانش آموزشی که از آموزه‌های مدارس دوران صدام تاثیر پذیرفته‌اند دیدگاه غلطی نسبت به امام(ره) دارند. زیرا در زمان صدام در مراسم‌های مختلف در مدارس نسبت به حضرت امام(ره) اهانت می‌شد. مدارس به امام دشنام می‌دادند یا او را لعن می‌کردند. برخی از آنها تصور می‌کنند امام اصلاً نماز نمی‌خوانده است.
- عراقی‌ها از یهود بسیار متنفرند حتی برخی از کسانی که با ایران جنگیده‌اند به خیال اینکه ایران و اسرائیل هم پیمان هستند!! به کشتن شیعیان تن داده‌اند. در واقع آنها یهود را معادل «صهونیست» می‌گیرند و با این اوصاف تمام یهودیان را صهونیست می‌دانند.
- در عراق به دلیل تبلیغات منفی علیه ایران و ایرانی، به ویژه در دوران حاکمیت حزب بعث، برخی از مردم و گروه‌های عراقی نگاه چندان

مثبتی به ایرانی‌ها ندارند. البته نباید تحریکات استعمارگران و قدرت‌های مداخله‌گر غربی را در تشدید اختلاف بین ایران و عراق و تشدید این نگاه منفی از نظر دور داشت.

• در زمان حاضر هم بعضاً گروه‌های ضد ایرانی تبلیغات گسترده‌ای را علیه ایران انجام می‌دهند و برای این کار دنبال کوچک‌ترین بهانه می‌گردند. مثلاً بحث مداخله ایران در امور عراق نرخ شاه عباسی این بحث‌هاست. هر مسؤلی در عراق جایجا می‌شود، به سرعت این شایعه که ایران باعث این برکناری است، در میان مردم رایج می‌شود. یا مثلاً اینکه سدهای کارون و کرخه در ایران باعث خشکسالی جنوب عراق است یا اینکه ایران اجناس فاسد خود را به عراق صادر می‌کند و چیزهای زیادی از این دست، شبکه‌های ضد ایرانی نظیر "الشرقیه" و "البغداده" نیز در دامن زدن به این مسائل ید طولایی دارند.

• در این هم هیچ شکی وجود ندارد که اشخاص و گروه‌هایی در عراق نگاه بسیار مثبتی به ایران و ایرانی دارند. برخی گمان می‌کنند که تنها کسانی که زمانی در ایران بوده‌اند و اکنون به عراق برگشته‌اند، طرفدار ایران هستند. در حالی که این نگاه مثبت به ایران در میان اقشار مختلف به ویژه جوانان وجود دارد و در حال افزایش نیز می‌باشد. از طرف دیگر، همه گروه‌هایی هم که روزگاری برای در امان بودن از شر صدام به دامن ایران پناه آورده‌اند، امروز طرفدار ایران محسوب نمی‌شوند.

• به طور کلی سه جریان مهاجرت از عراق به ایران اتفاق افتاد. یکی سال ۱۹۷۵، چند سال قبل از انقلاب، که صدام ایرانی‌های اصیل را از عراق اخراج کرد. بعد از انقلاب و در زمان جنگ هم طیف دیگری از عراقی‌ها که رگ و ریشه ایرانی داشتند از عراق اخراج شدند و جمعی نیز به دلیل عدم شرکت در جنگ علیه ایران، مهاجرت را برگزیدند. جریان سوم مهاجرت مربوط به سال ۱۹۹۱ و بعد از انتفاضه مردم عراق بود

که سخت‌گیری بر شیعیان به صورت غیر قابل‌تحملی افزایش یافت. در این زمان نیز گروهی از عراقی‌ها به ایران مهاجرت کردند. این گروه اخیر، بیشتر طرفداران شهید صدر بودند که هم اکنون نیز نگاه خیلی مثبتی به ایران ندارند. بر خلاف گروه دوم که مجلس اعلی و سپاه بدر را تشکیل دادند و ارادت زیادی به ایران دارند.

• البته بعد از ورود داعش و حمایت‌هایی که ایران از حشد الشعبی و ارتش عراق کرد، خیلی فضا عوض شده است و نوعی احترام در برخورد همه مردم عراق، با ایرانی‌ها دیده می‌شود. چون بعد از اشغال موصل توسط داعش، نیروهای داعش به سرعت به سمت بغداد حرکت کردند، چون اکثر مسیر بیابان است، به سرعت به بغداد نزدیک شدند. دولت عراق از آمریکا درخواست کمک کرد ولی آمریکا به بهانه اینکه در حال بررسی تفاهم نامه امنیتی است، از کمک سر باز زد، تا اینکه ناگهان با حضور ایران، ورق برگشت و نوعی قوت قلب به مردم عراق داده شد.

• جالب اینجاست که عراقی‌ها در مسائلی چون توصیف آب وهوای ایران، مناطق جغرافیایی و حتی میزان پیشرفت تکنولوژیکی ایران، منصفانه برخورد می‌کنند اما در مقام مقایسه، نقاط مثبت ایرانی‌ها را مخفی و حتی برعکس منعکس می‌کنند یا به دنبال پیدا کردن نقاط منفی یا ضعف ایران‌اند و آنها را بزرگ جلوه می‌دهند. ریشه این هم همان تعصب قومی و عربی است که در کشور عراق بسیار پررنگ است.

• برای مثال برخی از عراقی‌ها علی‌رغم اذعان به پیشرفته‌تر بودن ایران در مسائل علمی، مدارک علمی دانشگاه‌های عراقی را معتبرتر عنوان می‌کنند. یا درس خواندن در دانشگاه‌های عراق را مشکل‌تر از درس خواندن در دانشگاه‌های ایران می‌دانند. همچنین اتومبیل‌های وارداتی خود را مایه فخر و مباهاتی می‌دانند که ایرانیان از این نعمات محرومند. البته بسیاری نیز دیدی مثبت به ایران دارند - خصوصاً اساتید دانشگاه‌ها

و نخبگان عراقی- و از ایران هسته‌ای با مباحثات و تحسین سخن می‌گویند و یا برخی از جوانان عراقی به حضور در ایران و نیز ادامه تحصیل در آن علاقه زیاد نشان می‌دهند.

- عموم عراقی‌ها، ایرانی‌ها را انسان‌هایی زیرک، با سیاست و با حوصله می‌دانند، بر خلاف عراقی‌ها که انسان‌هایی تند و کم حوصله هستند و می‌خواهند زود به نتیجه برسند. این نگاه که هر اتفاقی در عراق می‌افتد، حتماً ایرانی‌ها در آن منفعتی دارند، در میان مردم شیوع دارد.

- نگاه عموم عراقی‌ها به توافق هسته‌ای اخیر، پیروزی ایران و غلبه ایران بر شش قدرت برتر دنیاست. الان بیشتر مردم عراق معتقدند ایران در این مذاکرات حرف خود را به کرسی نشانده و قدرت‌های غربی در مقابل خواست ایران تسلیم شدند. لذا اصلاً مناسب نیست، مباحث داخلی کشور در این زمینه را به بیرون منتقل کنیم. خیلی از مردم عراق به دلیل عدم شناخت فضای داخلی ایران، نمی‌توانند بعضی از مسائل را تحلیل کنند، لذا لزومی ندارد خیلی از مسائل، نظیر بحث هسته‌ای یا... در ایام اربعین مطرح شود.

- شاید یکی از دلایل این تلقی هم این باشد که عراقی‌ها واقعاً آمریکا را به عنوان ابرقدرت پذیرفته‌اند. چون واقعاً لمس کرده‌اند که آمریکا هر کاری را که بخواهد در عراق انجام می‌دهد. در عرض کمتر از بیست روز کل عراق را اشغال کرد، برای عراق حاکم نظامی گذاشت، بیش از یک میلیون نفر در جریان این اشغالگری و حوادث بعد از آن کشته شدند، هر وقت اراده کند در عراق بلبشویی بر پا می‌کند و... به همین دلیل آمریکا در نگاه مردم عراق ابهت ویژه‌ای دارد. انگلیس هم که از قدیم در عراق صاحب جایگاه بوده است. وقتی مردم می‌بینند که وزیر خارجه ایران با وزیر خارجه شش کشور بزرگ دنیا من جمله آمریکا و انگلیس نشست و چانه‌زنی می‌کند، واقعاً این احساس در میان مردم عراق ایجاد

می‌شود که ایران کشور بزرگی است که چند سال است با این کشورها مذاکره می‌کند و از حق خود هم کوتاه نیامده است.

- در شرایط امروز امید تمام شیعیان، حتی کسانی که دل خوشی هم از ایران و ایرانی ندارند، به ایران است. همه شیعیان اقتدار و پیشرفت ایران را اقتدار و پیشرفت تشیع می‌دانند. لذا نباید به هیچ عنوان مشکلات و ضعف‌های درونی ایران به بیرون منتقل شود.

جنگ ایران و عراق

- بسیاری از عراقی‌ها از یادآوری دوران جنگ هشت ساله با ایران راحت نیستند برخی از اینکه با برادران شیعه خود جنگیده‌اند احساس شرم دارند. شاید برخی هم به دلیل کشته‌هایی که داده‌اند از ایرانیان چندان راضی نباشند و یاد کشته‌هایشان دلیل ناراحتی از یادآوری جنگ باشد. با این وجود برخی هنوز هم جنگ عراق علیه ایران را یک جنگ درست می‌دانند و معتقدند که درگیری‌ای بود و خاتمه پیدا کرد و خود را متجاوز نمی‌دانند تا از آن احساس شرم کنند.
- نگاهی که در میان عموم شیعیان عراق نسبت به جنگ ایران و عراق وجود دارد، نگاه نادرستی است. بخشی از مردم عراق خودشان را در جنگ محق می‌دانند. هنوز هم خیلی از عراقی‌ها کشته‌های جنگشان را شهید می‌نامند. البته کسانی هم هستند که نگاه درستی به جنگ دارند ولی در اقلیت هستند. اکثر کسانی که در جنگ شرکت کردند، همین شیعیان بودند. برخی از آنها معتقدند کار درستی کردند و حتی برخی هنوز از شجاعت‌هایشان در جنگ سخن می‌گویند.
- البته نگاه دیگری هم در میان برخی از جوانان عراقی دیده می‌شود و آن هم بی‌تفاوتی است. یعنی آنها معتقدند جنگ ایران و عراق یک بی‌عقلی از جانب صدام بود و ایران هم اشتباه کرد که جنگ را طول داد ولی به هر حال کسانی که کشته شدند، بی‌دلیل جوانی خود را تباه کردند. یعنی در این جنگ به نوعی دو طرف را مقصر می‌دانند و به همین دلیل خیلی حساسیتی نسبت به بحث جنگ ندارند.
- به دلیل سخت‌گیری صدام برای حضور همه در سربازی و مدت طولانی دوران سربازی، تقریباً تمام کسانی که سنشان به جنگ می‌خورده در جنگ حضور داشته‌اند. لذا به دلیل فراگیری این موضوع، به نظر می‌رسد لزومی ندارد در ایام اربعین اصلاً وارد این مباحث بشویم. و از مباحث مربوط به جنگ به طور کلی پرهیز شود.

فصل سوم: وضعیت‌شناسی سیاسی، امنیتی، رسانه‌ای عراق

نهادهای تاثیرگذار سیاسی

۱- عشیره

- سیستم اجتماعی-سیاسی جامعه عراق علی‌رغم ظاهری پیچیده، شکلی ساده و مشخص دارد. در این کشور چند نهاد اجتماعی، قدرت سیاسی دارند که به ترتیب عبارتند از: عشیره، مراجع دینی و احزاب سیاسی. در بین سه مقوله مذکور، عشیره قوی‌تر و اثرگذارتر است. دلیل قوت عشیره، نبودن قانون است چراکه در گذشته عراق تعداد کمی حاکم قانون‌مدار وجود داشته‌اند و مابقی بر اساس اصولی منطقی و مشخص (چه دینی و چه غیر دینی) حرکت نمی‌کردند. در نتیجه مردم عراق به جهت فرار از بی‌قانونی‌ها و ظلم‌های حاکمان ستمگر، به قبیله پناه می‌بردند. یعنی دلیل قوت عشیره، نبودن قانون است. افراد برای حفظ قدرت و یکپارچگی قبیله (که در واقع منجر به حفظ سلامت خود و خانواده‌شان می‌گردد) مطیع اوامر رؤسای عشیره هستند.
- اشغالگران آمریکایی نیز به جایگاه عشایر پی برده بودند در نتیجه عشایر سنی‌نشین الانبار را در تامین امنیت منطقه وارد کردند. این عشایر با

نام «مجالس الصحوه» کار کردی چون بسیج را دارند و در صورت نیاز برای تأمین امنیت وارد عمل می‌شوند. همچنین دولت نوری مالکی هم با دادن چند کرسی سیاسی سعی در متمایل کردن عشایر اهل سنت به سوی خود داشت.

• برخی افراد یکی از مشکلات اساسی و بازدارنده پیشرفت عراق را نظام عشیره‌ای موجود می‌دانند. ناگفته نماند نظام عشیره‌ای محسناتی نیز دارد که می‌توان از طریق آموزش، ویژگی‌های منفی آن را سلب کرد.

۲- مرجعیت

• قدرت دیگر در عراق، مراجع تقلید و جریان‌های منشعب از ایشان هستند. بزرگ‌ترین مرجع در عراق، آیت‌الله سیستانی هستند که تولیت حریمین کربلا و نجف در دست نمایندگان ایشان است. برخی از احزاب نیز با حمایت ایشان عمل می‌کنند اما به طور کلی حضور و دخالت ایشان در مسایل عراق غیر مستقیم است.

• برخی دیگر از مراجع فعال در امور سیاسی عراق، به منظور انجام کار سیاسی، احزاب سیاسی را هدایت می‌کنند. برای مثال، آیت‌الله شیخ محمد یعقوبی، به وسیله «حزب فضیلت» در انتخابات و مسایل دیگر دخالت می‌کند. همچنین شهید حکیم نیز تشکیلات مجلس اعلای (انقلاب) اسلامی عراق را هدایت می‌کردند.

• جریان صدر یکی دیگر از جریان‌های سیاسی عراق است که هم اکنون فعالیت‌های سیاسی این جریان توسط سید مقتدی صدر رهبری می‌شود. جیش‌المهدی شاخه نظامی جریان سیاسی صدر است که بعد از سقوط صدام، از معدود مخالفان حضور اشغالگران در عراق بود به همین دلیل بسیاری از جوانان پرشور عراقی وارد این گروه شدند. زیرا عراقی‌ها مردمی شجاع هستند و به کارهای متهورانه و خارق‌العاده علاقه

دارند و از این روحیه در تشکیلات مقتدی استفاده شده است.

- تعدادی از روحانیون و مراجع عراقی نیز با حمایت حزب بعث وارد حوزه‌های دینی شدند تا از این طریق حزب بعث حوزه را هم در دست بگیرد. برخی از اینها بعد از مدتی درس و بحث، مرجعیت خود را اعلام کردند و مراجع مخالف خود را به مناظره طلبیدند که بدین جهت به «اصحاب مناظره» معروفند.

- برخی از مراجع در عراق نیز اعتقاد به وارد شدن در مسایل سیاسی ندارند در نتیجه هیچ حزبی ندارند و معمولاً دخالتی هم در امور سیاسی نمی‌کنند. نکته مهم اینکه گویا برخی از جریان‌های سیاسی منشعب از مراجع، تحت تاثیر احزاب و رسالت‌های حزبی به دنبال کسب قدرت‌اند که این مسئله از سویی سبب عدم اتحاد در عراق حول رهبری یک مرجع دینی و از سوی دیگر بدبینی مردم به جریان‌های دینی می‌شود.

۳- احزاب

- یکی دیگر از قدرتهای سیاسی در عراق، احزاب هستند. تعداد احزاب در عراق بسیار زیاد است. البته بسیاری از این احزاب وجود خارجی یا فعالیت آنچنانی ندارند. اما عدم اتحاد در بین احزاب هم جهت، از یک سو و نداشتن رهبر قوی دینی-سیاسی از سوی دیگر و نیز قدرت طلبی احزاب، تلاش برای خریدن نظر مردم به جای راضی نگه داشتن مردم از طریق عملکرد مثبت و ... موجبات ناراحتی مردم از احزاب و کناره گیری نسبی از آنها شده است.

- به طور کلی مردم عراق خصوصاً شیعیان و حتی دانشجویان و طلاب، شرکت در فعالیت‌های سیاسی را از وظایف خود نمی‌دانند چراکه دل خوشی از احزاب ندارند، به عشیره‌ها و نظرات رؤسای عشیره وابسته‌اند، فشار اقتصادی و مصرف گرایی فرصت تفکر را از مردم گرفته، سیاست

را متعلق به طبقه حاکم جامعه می‌دانند و خود را محکوم نظرات ایشان تلقی می‌کنند. مورد اخیر نشان دهنده نوعی ظلم‌پذیری باقی مانده از دوران صدام است چنانچه برخی از احزاب نیز چنین تفکر بعثی و انحصارطلبانه را دارند و درصدد حفظ قدرت‌اند و بس. برخی از نمونه‌های این تفکر، خریدن رأی مردم یا پرداخت هزینه تحصیل برخی از دانشجویان و ... به منظور کسب قدرت و کرسی بیشتر است.

- احزاب قدرتمند در جامعه عراق عبارتند از: ۱- حزب الدعوه الاسلامیه

- ۲- مجلس اعلی انقلاب اسلامی ۳- جریان صدر ۴- جریان های سنی (که خود از احزاب متعددی تشکیل و دو قومیت عرب و کرد را شامل می شود. اما به دلیل اینکه اینها به تنهایی قدرتی ندارند و از طرف دیگر اتحادی نسبی دارند در یک عنوان آورده شدند) ۵- حزب وفاق وطنی به رهبری علاوی.

- «حزب الدعوه» و «مجلس اعلی» دو حزب قوی عراق هستند که نخست وزیری فعلی عراق در دست حزب الدعوه است. این دو حزب تقریباً در یک سو حرکت می‌کنند و البته اختلافاتی هم دارند. اولاً؛ مجلس اعلی را حزبی متمایل به ایران می‌دانند. زیرا اعضای مجلس اعلی اکثراً از معارضین حکومت صدام بودند و سال‌ها در ایران زندگی می‌کردند. ثانیاً؛ حزب الدعوه از حضور اشغالگران حمایت می‌کند. همچنین حزب وفاق وطنی و کردها (که رئیس جمهوری عراق به آنها تعلق دارد) از اشغالگران حمایت می‌کنند.

- شیعیان عراقی (یعنی اکثر جامعه عراق) به دلیل حاکم بودن اهل سنت در تمام تاریخ (عباسیان، عثمانی‌ها و حکومت‌های عربی جدید) و خصوصاً به دلیل اعمال تبعیضات قومی صدام علیه شیعیان عراق و به حساب نیاوردن آنها در مسائل سیاسی اصلاً توقع یک حکومت شیعی عراق را نداشتند. حسن العلوی در کتاب «شیعه و حکومت در عراق»

نشان می‌دهد که اولاً بعضی‌ها تمام شیعیان را ایرانی و عجم قلمداد می‌کردند و از طرف دیگر هیچ پست و مقامی به آنها نمی‌دادند مگر کسانی که به اسم شیعه بودند و در عمل بعضی و مهم‌تر اینکه حتی در سرشماری‌ها تعداد شیعیان را بسیار کمتر از حد واقعی نشان می‌دادند. وضعیت شیعیان در زمان حکومت سنی عثمانی همین‌طور بوده است و شیعیان از تمام خدمات حکومتی (مثل مدرسه، مجلس و ...) محروم بودند. (العلوی، ۱۳۷۶، ص ۵۵ و صص ۴۱-۴۴)

• با توجه به این تبعیض فاحش شیعیان همیشه در تاریخ مخالف و معارض با طبقه حاکم بوده‌اند و این مسئله به روحیه‌ای اجتماعی تبدیل شده که آنها و دولت شیعه فعلی عراق را در تعامل با یکدیگر دچار مشکل کرده است یعنی پیروی از این دولت نیز برای برخی از عراقی‌ها مشکل است. نیروهای فعلی معارض دولت (منتسب به شاخه نظامی جریان صدر، جیش‌المهدی) نیز از همین روحیه تاثیر گرفته است.

وضعیت امنیتی عراق

- در عراق، علاوه بر نیروهای بسیار زیاد دولت در ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی، نیروهای شبه نظامی مستقل از دولت، که به احزاب سیاسی خاصی وابسته‌اند نیز وجود دارند. منظمه البدر (سپاه بدر) و جیش المهدی از این گروه‌ها هستند. البته بسیاری از این گروه‌ها در حال حاضر با گرد آمدن زیر لوای «حشد الشعبی» نوعی تمرکز یافته‌اند.
- وجود این گروه‌ها خود محرکی است برای برهم خوردن آرامش و امنیت در عراق. به طوری که یک جریان سیاسی برای فشار به دولت ملی و کسب امتیازاتی چون در دست گرفتن یک استان مهم یا مسائلی از این قبیل، به مبارزه با نیروهای ارتش یا پلیس عراقی مستقر در آن منطقه می‌پردازد. درگیری‌های نیروهای شورشی با دولت در اوایل فروردین ۸۷ از این دست است که امنیت نیمه جنوبی عراق را به هم زد و موجب کشته و زخمی شدن صدها تن از جمله کودکان و زنان گردید.
- جیش المهدی (عج) شاخه نظامی گروه وابسته به جریان مقتدی صدرا است. این گروه در سال ۲۰۰۳ میلادی و بعد از سقوط صدام توسط سید مقتدی صدر، پسر شهید سید محمد صدر، تشکیل شد و در ابتدا با شعارها و مواضع ضد آمریکایی طرفداران زیادی نیز در بین مردم و جوانان عراق پیدا کرد، به حدی که طبق آمار در سال ۲۰۰۶ میلادی این گروه، حدود ۶۰۰۰۰ نیروی نظامی داشت. اما از آنجایی که این گروه سیستم جذب مدونی ندارد، به تدریج برخی از عناصر سابق حزب بعث وارد این گروه شدند و به جایگاه این گروه در میان مردم عراق لطمه زدند.
- پدیده تروریسم یا اَرهاب از سال‌ها پیش و قبل از اعلام موجودیت داعش، در عراق وجود داشته است. تروریسم در عراق به بهانه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که عمدتاً رنگ مذهبی به خود گرفته است. بسیاری

از مردم مناطق شیعه‌نشین معتقدند که ترورها به دست وهابی‌ها و با حمایت عربستان سعودی صورت می‌گیرد چرا که تعداد زیادی از این بمب‌ها در مناطق شیعه‌نشین و خصوصاً به قصد تخریب شعائر مذهب شیعه و مشاهد ائمه هدی (ع) صورت می‌گیرد که مهم‌ترین آن تخریب گنبد و گلدسته حرمین عسکریین (ع) در دو سال متمادی در سامرا و بمب‌گذاری در روز عاشورای چندسال پیش در چند نقطه کربلا، بوده است. اما مناطق سنی‌نشین نیز از حملات گروه‌های تروریستی در امان نبوده و بسیاری از مردم نیز در این ترورها، کشته شده‌اند. همچنین در بسیاری از ترورها، اهداف اشخاصی چون پلیس و ارتشی‌های عراق، داوطلبان حضور در ارتش یا پلیس، دانشمندان، سیاستمداران و... بوده‌اند.

• نامانی در عراق در حدی است که اعلام حکومت نظامی برای مردم عادی است یا از اینکه ناگهان مسیر ارتباطی یک شهر بسته شود و آنها ساعت‌ها و حتی یک شب در راه بمانند، همان جا بخوابند و شکوه‌ای نکنند. این مشکل در حدی در عراق بزرگ می‌نماید که پیش‌بینی آینده‌ای مشخص را برای اجتماع و فرد عراقی غیرممکن کرده است. عراقی‌ها نمی‌توانند به آینده فکر کنند چرا که هر لحظه ممکن است هدف یک حمله تروریستی یا درگیری بین نیروهای نظامی گروه‌های مختلف (شورشی‌ها، آمریکایی‌ها و یا حتی نیروهای دولتی) قرار گیرند.

الحشد الشعبی

• در سال ۲۰۱۴ میلادی و بعد از تصرف موصل توسط داعش و فتوای آیت الله سیستانی مبنی بر ضرورت حضور همه مردم در نبرد با داعش، حشد الشعبی شکل گرفت. حشد در لغت یعنی «بسیج» و الشعبی در لغت یعنی «مردم». بنابراین حشد الشعبی یعنی «بسیج مردمی» که با الگوگیری از بسیج مردمی ایران شکل گرفت. هم اکنون فرمانده حشد «هادی العامری» و فرمانده میدانی حشد «بومهدی» معروف به «مهندس» است.

• گروه‌های نظامی شیعه‌ای که در عراق حضور داشتند، به سرعت به حشد الشعبی پیوستند و به همین سبب در ابتدا عمدتاً ساختار و بدنه نظامی حشد الشعبی را شیعیان عراق تشکیل می‌دادند اما بعدها برخی عشایر سنی عراق از استان‌های صلاح‌الدین، نینوا، الانبار و نیز کردهای فیلی و مسیحیان عراقی نیز به آن ملحق شدند. اکثر این گروه‌ها قبل از اجتماع در ذیل بیرق حشد، با هم اختلافاتی داشتند، هم در حوزه عقیدتی و سیاسی و هم در حوزه مذهبی، و الان هم این اختلافات بعضاً اختلافاتی در برنامه‌های حشد ایجاد می‌کند.

• اشکال عمده حشد الشعبی نداشتن بازوی رسانه‌ای قوی است. هم اکنون «اعلام الحربی» یا همان تبلیغات جنگی، کار اطلاع رسانی اخبار حشد و نبرد با داعش را به عهده دارد ولی هم از جهت سرعت اطلاع رسانی و هم از جهت کیفیت فنی، نسبت به رسانه‌های داعش ضعیف‌تر است. مثلاً به محض اینکه تکریت توسط حشد الشعبی آزاد شد، رسانه‌های غربی و عربی جو رسانه‌ای شدیدی را به راه انداختند که نیروهای حشد در تکریت وارد خانه‌های مردم شده و اموال آنها را به غارت بردند. ولی اعلام الحربی در مقابل تبلیغات شدید آنها، اقدام موثری انجام نداد.

• قدرت رسانه‌های داعش بسیار قوی است. اصلاً یکی از تکنیک‌هایی که آنها

برای غلبه بر دشمنان استفاده می‌کنند، همین ایجاد رعب به وسیله ابزارهای تبلیغاتی است. آنها در این زمینه با استفاده از متخصصان با تجربه در زمینه فیلم‌سازی، کلیپ‌های زیادی را تولید کرده‌اند که هدف عمده آنها ایجاد ترس در دل مردم است. اتفاقاً این حربه آنها تا کنون به خوبی جواب هم داده است. مثلاً در قصه سقوط موصل، تعداد کمی از نیروهای داعش از مرزهای سوریه آمدند و موصل را تصرف کردند. ده هزار نیروی عراقی که در موصل حضور داشتند، قبل از حضور نیروهای داعش گریخته بودند.

• بعضی از گروه‌ها در حشد ذوب شدند ولی سیاستی که گروه‌های مقاومت دنبال می‌کنند این است که در حشد ذوب نشوند، چون اگر روزی با تصویب دولت بنا شد حشد منحل شود، گروه‌های مقاومت بتوانند به حضور خود در صحنه ادامه دهند.

رسانه‌های عراقی

- رسانه‌های دیداری و شنیداری که در عراق فعال هستند، عمدتاً مخالف شیعه هستند؛ اعم از شبکه‌های خبری، سرگرمی، فیلم و حتی ورزشی. شبکه‌های «العربیة» مربوط به عربستان و «الجزیره» مربوط به کشور قطر، جزء پر بیننده‌ترین شبکه‌های عراق هستند. شبکه‌های تفریحی هم عمدتاً NBC و برخی شبکه‌های لبنانی هستند که شیعیان نفوذ زیادی روی آنها ندارند.
- شبکه‌های ایرانی نظیر «العالم» و «الکوثر» هم جزء شبکه‌های پر طرفدار در میان عراقی‌ها نیستند. البته اقبال به شبکه «آی فیلم» بیشتر است ولی باز هم در رتبه اول نیست. در بین شبکه‌های فیلم و سریال مردم عراق بیشتر تمایل به تماشای شبکه‌های ترکیه را دارند. شبکه‌های داخلی عراق هم در این زمینه خوب فعال هستند.
- در میان شبکه‌های داخلی عراق، سه شبکه عمده ضد شیعه وجود دارد که عبارتند از «الشرقیه»، «بابلیه» و «البغدادیه». این شبکه‌ها به شدت ضد دولت عراق و به طور کلی ضد شیعه هستند و اتفاقاً نسبتاً پر بیننده هم محسوب می‌شوند. این شبکه‌ها قدرت جریان سازی زیادی در عراق دارند. مثلاً تظاهراتی که اخیراً علیه دولت آغاز شده است، استارتش توسط این شبکه‌ها زده شد. البته آقای نوری مالکی، دفاتر شبکه‌های الشرقیه و البغدادیه را در عراق بست ولی بعد از روی کار آمدن آقای العبادی، تسامح زیادی با این شبکه‌ها صورت گرفته است.
- خود دولت عراق هم العراقیه را دارد که مجموعه‌ای از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی را شامل می‌شود. نظیر: العراقیه ۱، العراقیه ۲، العراقیه اخباریه و العراقیه اسپورت. این شبکه‌ها زیر نظر هیأتی اداره می‌شود و رئیس آن را نخست وزیر مشخص می‌کند و نفوذ نخست وزیر روی این شبکه‌ها زیاد است. این شبکه‌ها متاثر از فضای کلی عراق هستند.
- کنترل فضای رسانه‌ای عراق، به صورت کامل در اختیار دولت نیست. هیأتی به نام «هیات اعلان» عهده‌دار امور مربوط به رسانه‌ها در عراق است.

- این هیات دولتی نیست. البته دولت و شخص نخست وزیر در این هیات نمایندگانی دارند و اعمال نفوذ می‌کنند، ولی به طور کلی نوعی آزادی نسبی برای رسانه‌ها وجود دارد. البته این آزادی کاملاً صوری است، زیرا همه این رسانه‌های به اصطلاح آزاد، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به افراد، گروه‌ها و حتی کشورهای خارجی وابسته هستند.
- البته شبکه‌های اسلامی و طرفدار مقاومت نظیر «المیادین»، «المنار»، «الاتجاه»، «الفرات»، «العهد» و... هم در عراق بیننده‌های زیادی دارند. و به ویژه بعد از قضایای اخیر عراق، مردم تمایل زیادی دارند که اطلاعات مربوط به جنگ را از شبکه‌های نزدیک به مقاومت دریافت کنند.
 - در میان شبکه‌های اجتماعی، «فیس بوک» پر طرفدارترین رسانه در میان مردم عراق است. طبق برخی از آمار بیشترین ضریب نفوذ فیس بوک در میان کشورها، در عراق است. همان‌گونه که در ایران استفاده از «واتس‌آپ» و «تلگرام» مرسوم است، استفاده از «فیس بوک» در عراق فراگیر است و عمومیت دارد. به ویژه در حوزه اخبار و اطلاع رسانی، مردم بیشترین اطلاعات را از فیس بوک دریافت می‌کنند.
 - در عراق کم نیستند کسانی که همیشه در فیس بوک آنلاین هستند. استفاده از فیس بوک در میان نهادهای دولتی هم بسیار مرسوم است. الان هر وزارخانه‌ای برای خود یک اکانت فیس بوک دارد، هر اداره‌کلی یک اکانت فیس بوک دارد، مجدداً هر مدیر کلی برای خود یک اکانت فیس بوک دارد، هر رئیس اداره‌ای یک اکانت فیس بوک دارد، هر کارمندی که در آن اداره کار می‌کند، یک اکانت فیس بوک دارد و... ریز اخبار آن اداره را می‌توان از طریق فیس بوک دریافت کرد. در عراق هر بچه‌ای را می‌بینید فیس بوک دارد. فیس بوک در حوزه فضای مجازی، رسانه اول عراق است، حتی شاید بتوان گفت ضریب نفوذ آن در میان مردم، از تلویزیون هم بیشتر است. بعد از فیس بوک، استفاده از واتس‌آپ نسبتاً فراگیر است. بر خلاف ایران، شبکه تلگرام در میان عراقی‌ها زیاد طرفدار نیست.

